

با فلسطین در روزهای سختی ...

گفتارها و کردارهایی چند

به کوشش ترا ب‌حق شناس

آوریل ۲۰۰۲

فهرست

- ۱ فلسطین: زنده باد مقاومت همه جانبه تراب حق شناس
- ۵ فراخوان فوری به جامعه مدنی جهانی حنان عشراوی و ...
- ۹ تروریسم دولتی اسرائیل لو گرینبرگ
- ۱۲ دیگر بس است! دیگر تحمل ناپذیر است! تراکت با ۲ هزار امضاء ... دو اطلاعیه از انجمن همبستگی فرانسه - فلسطین :
- ۱۳ - یاسر عرفات در محاصره است ولی مصمم تر از هر زمان دیگر،
- ۱۴ - جنگ شدید اسرائیل با مردم فلسطین
- ۱۶ مشاهدات ژوزه بووه در رام الله
- ۱۷ پیام ۴۰ اروپایی و آمریکایی که در مقر یاسر عرفات هستند
- ۱۹ ده ها هزار قلبی که در پاریس برای فلسطین تپید بهروز افشین
- ۲۲-۲۴ چند گزارش از سوئد، بلژیک، فرانسه
- ۲۵ جانبداری از صلحی عادلانه و فوری در خاور میانه
- ۲۷ (فراخوان) برای حمایت سیاسی و مالی از فلسطین
- ۲۹ هیأت «پارلمان بین المللی نویسندگان» در سفر به فلسطین
- ۳۵ فلسطین همانا اسم شب است محمود درویش
- ۳۸ خطاب به رهبران کشورها مان که دم بر نمی آورند ...
- ۴۱ تشکیل جمعیتی از وکلای دادگستری برای دفاع از فلسطینی ها
- ۴۱ برای نیل به امنیت باید حق را رعایت کرد، چندین نویسنده بزرگ جهانی
- ۴۵ تظاهرات همبستگی با فلسطین در برلین شورای هماهنگی هامبورگ
- ۴۷ فردهای سخت اسرائیل ترجمه بهروز افشین
- ۵۱ فراسوی کشتار ادوارد سعید

ضمیمه:

گواهی هنرمندان عکاس و رسید کمک های مالی پیشین

فلسطین: زنده باد مقاومت همه جانبه

تراب حق شناس

«یا صوتی ظلک طایر

زوبع بها الضمایر

خبرهن علی صایر

بلکی بیوعی الضمیر»

این آوای فرشته سان خانم فیروز، خواننده بزرگ لبنانی ست که در فضا

طنین انداز است:

«صدای من، همچنان بال بگشا و پرواز کن/ خواب وجدان ها را برآشوب/

آن ها را از آنچه می گذرد باخبر ساز/ شاید که بیدار شوند».

ده ها سال مقاومت همه جانبه، در عرصه های اجتماعی و سیاسی و نظامی و دیپلماتیک و فرهنگی، ده ها سال مقاومت ملتی، تک و تنها علیه اشغال، علیه استعمار فلسطین، ده ها سال مقاومت حیرت انگیز در برابر دنیای زور و سرمایه بین المللی ... و به ویژه دو قیام سراسری توده ای (انتفاضه) از ۱۹۸۷ تا ۹۲ و از سپتامبر ۲۰۰۰ تا کنون ... دارد جهانیان را به تدریج بیدار می کند.

گذشت روزی که چرچیل می گفت: «این ها [آوارگان عرب] را ۲۰ سال در

چادرها نگه دارید، فلسطین از یادشان خواهد رفت» (۱۹۴۸)؛ گذشت روزی که

گلدامایر، نخست وزیر اسرائیل [ازحزب کار] می گفت: «هر روز صبح که از خواب

بر می خیزم و می شنوم که کودکی فلسطینی به دنیا آمده از نفرت سرشار می

شوم» (۱۹۷۰)؛ گذشت روزی که اسحاق شامیر، نخست وزیر (از حزب لیکود) می

گفت: «اگر در اردوگاه صبرا و شاتایلا کسانی کشته شده اند، به ما ربطی ندارد.

کشته ها که یهودی نبوده اند» (۱۹۸۲)؛ گذشت روزی که روشنفکران بزرگی چون

سارتر و سیمون دوبوار و میشل فوکو جرأت نمی کردند حقیقت اوضاع را در

فلسطین دریابند و کلمه ای علیه جنایت ضدبشری اسرائیل بر زبان رانند (۱۹۶۷)؛

گذشت روزگاری که بطرس غالی، دبیر کل ملل متحد رسماً اظهار می داشت که

قطعنامه های ملل متحد مربوط به فلسطین «الزام آور نیست» (امروز ژوسپین، نخست وزیر و کاندیدای ریاست جمهوری فرانسه، در اوج کارزار انتخاباتی، از ضرورت ارسال نیروهای بین المللی برای اجرای قطعنامه ۱۴۰۲ که خواستار ایجاد دولت فلسطین است سخن می گوید - ۲ آوریل ۲۰۰۲). گذشت روزگاری که اکثریت مردم اسرائیل و با توهم ایجاد امنیت، جلادی به نام شارون را به نخست وزیری برگزیدند تا با نابودی آرمان فلسطین برای آن ها امنیت به وجود آورد ... گذشت زمانی که آمریکا به آسانی تمام و بی هیچ مقاومتی قابل ذکر، قطعنامه های محکومیت اسرائیل را وتو می کرد...

امروز به برکت مبارزه همه جانبه مردم فلسطین، اوضاع دارد روالی دیگر به خود می گیرد. دیگر حق فلسطینی ها برای احراز حقوق ملی خود، حق تعیین سرنوشت و استقلال، امری جهانی ست. دیگر نمی توان انتقاد از اسرائیل را به آنتی سمیتیسم نسبت داد. دیگر گروه های فشار صهیونیستی که همه کاری از دستشان ساخته بود، به سختی می توانند مانع رشد و گسترش حمایت از فلسطینی ها در جهان غرب شوند. «روشنفکران» صهیونیست که زمانی افکار عمومی غرب را مثل موم در دست داشتند افشا شده اند و دیگر به راحتی دیروز نمی توانند مقاومت در برابر اشغال اسرائیل را به سادگی مهر تروریسم بزنند و نگذارند کسی در برابرشان صدای اعتراض بلند کند. گروه های فشار صهیونیستی برای توجیه سیاست های سرکوبگرانه اسرائیل دچار مشکل شده اند. بسیاری از شخصیت های فرهنگی، نویسندگان، سینماگران و هنرمندان و اساتید دانشگاه ها که تبار یهودی دارند در برابر این فاشیسم جدید که بر اسرائیل حاکم است و به نابودی ملتی دیگر کمر بسته است موضعی بسیار شرافتمندانه دارند، دستجمعی امضا می کنند، به تظاهرات می پردازند، کتاب می نویسند، هیأت های متعدد از شهروندان جامعه مدنی برای سفر به سرزمین های فلسطینی تشکیل می دهند و به هنگام بازگشت، جنایاتی را که علیه فلسطینی ها جریان دارد برملا می کنند. «یهودیان فرانسوی طرفدار صلح» در تظاهرات حمایت از مردم فلسطین شرکت می کنند، کوفیه فلسطینی به گردن می بندند، پرچم فلسطین را به اهتزاز در می آورند. از نافرمانی موجود در ارتش اسرائیل، از سربازانی که حاضر نیستند در

سرزمین های اشغالی «انجام وظیفه» کنند و به همین دلیل محکوم به زندان شده اند، جانبداری می کنند. انجمن های فراوان فرانسوی و اروپایی به سرپرستی کودکان بی سرپرست فلسطینی اقدام می کنند، کمک مالی و دارویی جمع می کنند، برای افشاکگری و بیداری وجدان عمومی جهان غرب دست به تبلیغات و انتشارات می زنند.

ما در زیر نمونه هایی را می آوریم تا هموطنان ایرانی از این تحول بزرگ که زاده مقاومت و پافشاری مردمی تنها و بی پناه در برابر قدرت نظامی و پلیسی و اقتصادی و دیپلماتیک اسرائیل است بهتر باخبر شوند و هرکس به نوبه خود در این نبرد عادلانه سهیم شود و به پشتیبانی از ملتی تحت اشغال و در معرض تحقیر برخیزد که مشعل مبارزه علیه استعمار و امپریالیسم را ده ها سال است روشن نگه داشته و این درس را به تاریخ و به جهانیان می آموزد که می توان در برابر ارتجاع ایستاد و تسلیم نشد.

* رسانه های گروهی جهانی که برنامه ریزی آن ها طبق مصالح سرمایه بین المللی و در راه نابودی هرگونه فکر و عمل مقاوم است و هر روز توجیهات و «تئوری های» قلبی را به خورد افکار عمومی (و از جمله برخی «روشنفکران» ما) می دهند، مدتی این «ورد» را به دهان ها انداخته بودند که جوانانی که به عملیات انتحاری اقدام می کنند، «دیوانه» اند، «عاشق شهادت» اند و «دشمن زندگی» اند! آن ها که این درس دوره دبستان را هم فراموش کرده بودند که «حتی برای مور، جان شیرین خوش است» می پنداشتند که مقاومت تا سرحد مرگ ناشی از آن است که زندگی را دوست ندارند یا می خواهند به «بهشت» روند. چه چیزها که در این باره نگفتند! اما واقعیت امر و مبارزه مرگ و زندگی در فلسطین که خبرهایش به ناگزیر به گوش می رسید نشان داد که علت این پدیده را در جای دیگری باید جست، در دشواری و طاقت فرسا بودن اوضاع زندگی، در فقر و تحقیر که زندگی خفتبار را طرد می کند و مرگ شرافتمندانه را پذیرا می گردد. همان که شاملو برایش چه زیبا می سرود: «گر بیاید زیست/ این سان، این چنین بی شرم/ من چه بی شرم / اگر فانوس عمرم را به رسوایی نیاویزم/ بر بلند کاج خشک کوچه بن بست».

صحبت بر سر تأیید این یا آن گونه عملیات نیست. صحبت بر سر فهمیدن اوضاعی ست که منجر به چنین اعمالی می شود و از دور، از محیطی گرم و به دور از هنگامه نبرد، نمی توان به داوری سطحی آن پرداخت و با آروغ «روشنفکری» به قضاوت واقعیات سرسخت نشست.

* کسانی هم هستند که جسته گریخته اخبار درگیری ها را می شنوند و از اینکه خوابشان آشفته می شود می پرسند بالاخره چه می شود؟ چه راه حلی هست؟ در پاسخ باید گفت تنها يك راه: تن ندادن به طمع ورزی های استعماری اسرائیل و اذعان به حقوق ملت فلسطین. اجرای قطعنامه های ملل متحد که در همه جای جهان قابل اجرا ست ولی استثنای آن اسرائیل است که بیش از ۵۰ سال است همه قطعنامه ها را به جز آنچه به نفع خودش بوده همه را به دیوار کوبیده است: عقب نشینی اسرائیل از سرزمین های اشغالی و برقراری جامعه و دولتی که فلسطینی ها به عنوان بشر، به عنوان صاحبان حق تعیین سرنوشت، آن را مطالبه می کنند. همین و بس.

* کسانی هم، هستند که از روی مبل راحت خویش پیشنهادهایی را برای ملتی دیگر طرح یا تأیید می کنند. مثلاً اینکه بیت المقدس به منطقه ای جهانی و بی طرف تبدیل شود، یا این برود، آن بیاید. از اینان باید پرسید شما که در الفبای زندگی و مبارزه جامعه و کشور خودتان درمانده اید، به چه حقی خود را به جای ملتی دیگر می گذارید و برایش نسخه آزادی و رهایی و یا «خط مشی انقلابی پرولتری» می پیچید؟ کدام دمکراسی و کدام حقوق بشر یا ... که سنگ اش را به سینه می زنید به شما اجازه می دهد که به جای آنان تصمیم بگیرید؟ مگر آقای بوش جز این می کند؟ آیا حد اقل انصاف و فروتنی حکم نمی کند که آن ها را آزاد و مختار بدانید و اگر همدردی و همبستگی ای در خود احساس می کنید، به رفع موانع از پیش پای آنان همت گمارید؟

فراخوان فوری به جامعه مدنی جهانی

توطئه سکوت را درهم شکنیم. پیش از آنکه دیر شود

دست به عمل بزنیم.

ما امضا کنندگان زیر معتقدیم که تهاجم تمام عیار اسرائیل در سرزمین های اشغالی فلسطینی قریب الوقوع است و اعتقاد داریم که این حمله بی سابقه ایجاب می کند که جامعه مدنی جهانی بدان پاسخی بی سابقه بدهد. بدین دلیل، ما جامعه مدنی جهانی، از جمله سازمان های حقوق بشر، گروه های همبستگی و افراد را فرا می خوانیم که فوراً و مستقیماً دست به عمل زنند و جنگ همه جانبه اسرائیل علیه مردم فلسطین و اشغال نظامی جنگ آفرزانه اسرائیل را که ۳۵ سال است در نوار غزه، ساحل غربی منجمله بیت المقدس شرقی ادامه دارد متوقف سازند.

امروز نیروهای اشغالگر اسرائیلی مقرر فرماندهی تشکیلات خودمختار فلسطین، دفتر پرزیدنت عرفات را در رام الله مورد تاخت و تاز قرار داده اند و این بخشی ست از کارزار درازمدت آنان برای آنکه رهبری سیاسی فلسطین را تضعیف و تحقیر کرده، آن را نابود کنند. نیروهای اسرائیلی کنترل کامل شهر رام الله را به دست گرفته، منع عبور و مرور و حکومت نظامی در آن برقرار کرده اند. همزمان، مقامات اسرائیلی دست به بسیج نظامی زده، ۱۰ هزار نفر از نیروی نخبیره ارتش را فراخوانده اند تا به جنگی علنی و همه جانبه در سراسر سرزمین های اشغالی دست زنند و می رود که هرچه بیشتر گسترده تر و طولانی تر و خونین تر شود.

در اوایل این ماه (مارس) با اوجگیری حملات اسرائیلی، از جمله قتل های هدفمند، بمباران های کور، بمباران های هوایی، اختناق اقتصادی و اجتماعی، نابودی عمومی خانه ها و مناطق کشاورزی، سرانجام به تجاوز همه جانبه به

اردوگاه های پناهندگان و روستاها دست زدند که منجر به قتل صدها تن از اهالی شد. امروز نخست وزیر اسرائیل آریل شارون، عرفات را «دشمن» نامیده و از ضرورت «ریشه کن کردن تروریسم فلسطینی هر جا که باشد» سخن می گوید. این ها نشان می دهد که این حملات قرار است با خشونت و برد هرچه گسترده تری دنبال شود و به پیامدهای فاجعه بار بینجامد. گروه های جامعه مدنی فلسطینی سال ها ست هشدار می دهند که باز بودن دست اسرائیل به عنوان دولتی مافوق قانون فرصت های دست یابی به صلحی عادلانه و پایدار را تضعیف خواهد کرد. پس از ده ها سال اشغال، تبعیض نژادی و پاکسازی قومی و ۱۸ ماه جنگ همه جانبه علیه مردم غیر نظامی، ما از جامعه بین المللی می خواهیم که منتظر نشود تا کشتارهایی نظیر صبرا و شاتیلا که در سال ۱۹۸۲ رخ داد صورت گیرد. وقت عمل فرا رسیده است.

حمایتی که گروه های همبستگی بین المللی با بیانیه ها، دیدارها و اعمال خود از مردم فلسطین نشان داده اند ثابت کرده است که در جریان این بحران، این موضع گیری ها و برخوردها چقدر ارزشمند است. اکنون وقت آن است که جامعه مدنی جهانی این قدرت فزاینده و این انسجام و صداقت اخلاقی ای را که به دست آمده به کار گیرد تا فوراً و قاطعانه از دولت ها بخواهد کاری کنند تا این اشغال که منشأ کشمکش کنونی ست پایان یابد.

دولت ها از جمله آن ها که در کمیسیون ملل متحد برای حقوق بشر معمولاً با یکدیگر دیدار می کنند باید با فشار مستقیم و صریح ملت های خود رو به رو شوند تا فوراً اسرائیل را به مراعات و اجرای چهارمین بند از معاهده ژنو و تخلیه سرزمین های اشغالی وادار سازند، امری که گامی ضروری برای دست یافتن به صلحی عادلانه و پایدار محسوب می شود.

بدین منظور، ما کلیه کسانی را که با اشغال، تبعیض نژادی، پاکسازی قومی و جنایات جنگی مخالف اند، کسانی را که متعهد به عدالت و صلح اند، کسانی را که مصمم اند با قدرتمندان جز به حقیقت سخن نگویند، مخاطب قرا داده می گوئیم:

فریاد خود را برای شکستن توطئه سکوت دولت ها بلند کنید، دولت هایی که

اجازه می دهند اسرائیل با برخورداری از حمایت نامحدود و غیرمشروط ایالات متحده، به جنایات جنگی و تجاوزات دیگر به قوانین انسانی بین المللی دست زند و از هر مجازاتی در امان باشد.

صریحاً، قاطعانه و علناً و از طریق اعتراضات، راهپیمایی ها، کارزارهای تبلیغاتی در رسانه های گروهی و دیگر اشکال مسالمت آمیز، از دولت ها و سازمان های بین المللی بخواهید که هرچه فوری تر و مؤثرتر حفاظت از جان غیر نظامیان فلسطینی در سرزمین های اشغالی را خواستار شوند.

بخواهید که دولت ها کمک نظامی به اسرائیل را قطع کنند، روابط اقتصادی شان را با اسرائیل معلق نمایند، از پیگرد جنایتکاران جنگی حمایت نمایند و از دیگر دولت ها بخواهند که آن ها نیز چنین کنند.

فعالیت های خود را به عنوان بخشی از کارزاری مستمر و سیستماتیک ادامه دهید و تشدید کنید، به منظور آن که اشغال، تبعیض نژادی، پاکسازی قومی و جنایات جنگی در سرزمین های اشغالی به پایان رسد و از حقوق مشروع و آرمان های مردم فلسطین پشتیبانی گردد.

اکنون زمان اقدام فوری و مستقیم است، اقدامی در خور و هم وزنِ ستم و خشونت فزاینده ای که ما طی ۱۸ ماه تجربه کرده ایم و قطعاً به سوی فاجعه ای راه می برد که پیامدهایش را تازه می توان به تصور آورد. در این لحظات سیاه رنج و مقاومت مصممانه، ما مطمئنیم که بدترین فاجعه ها در راه است ولی ما به این امر نیز اطمینان داریم که با پشتیبانی جامعهء مدنی جهانی در این اوضاع بحرانی، صلح و عدالت چیره خواهد شد.

امضاء ها:

دکتر حیدر عبد الشافی / دکتر حنان عشراوی / دکتر مصطفی برغوتی /
دکتر عزمی بشاره، رانا نشاشیبی / دکتر ایاد سراج / خضر شقیرات / راجی
صورانی.

[این امضاء کنندگان همه از شخصیت های علمی و اجتماعی فلسطین اند. به

ترتیب:

- عبد الشافی پزشك و رئیس هلال احمر در غزه و رئیس هیأت فلسطینی در کنفرانس مادرید (۱۹۹۲) / خانم عشراوی استاد دانشگاه و سخنگوی هیأت مذاکره کننده فلسطینی پس از کنفرانس مادرید، قدس، / دکتر برگوتی استاد دانشگاه و رئیس جامعه دفاع از حقوق بشر، ساحل غربی، / دکتر بشاره یکی از ۱۰ نماینده عرب در پارلمان اسرائیل، / رئیس يك مؤسسه حقوقی به نام «قانون» در بیت المقدس، / راجی صورانی وکیل مدافع و مبارز حقوق بشر در غزه.
مشاغل بقیه را فعلاً نمی دانیم. مترجم]

امضا کنندگان اسرائیلی زیر که ۱۷ نفر و عموماً از دانشگاهیان اند، از فراخوان فوق حمایت کرده اند.

Prof. Aharon Eviatar, Hoffit
Dr. Amnon Raz-Krakotzkin
Prof. Avraham Oz, Tel Aviv
Prof. Baruch Kimmerling, Jerusalem
Dr. Daphna Levit, Tel Aviv
Dr. Daniel Amit, Rome
Dr. Edeet Ravel, Toronto, Ca.
Haim Hanegbi, Journalist, Tel Aviv
Dr. Ilan Pappé, Haifa
Dr. Lev Grinberg, Jerusalem
Pnina Feiler, Kibbutz Yad Hanna
Dr. Ruchama Maton, Tel Aviv
Adv. Tamar Pelleg-Sryck, Tel Aviv
Dr. Tikva Honig Parnass, Jerusalem
Yehudith Harel, Ramat Hasharon
Dr. Yossi Amitay, Kibbutz Gvulot
Uri Avnery, Journalist, Tel Aviv

در زیر نمونه ای نیز از برخورد يك استاد اسرائیلی می آوریم:

تروریسم دولتی اسرائیل

لو گرینبرگ

[مقاله ای از Lev Grinberg متخصص جامعه شناسی سیاسی و مدیر

مؤسسه تحقیقات اجتماعی همفری در دانشگاه بن گوریون (اسرائیل)].

چه فرقی ست بین تروریسم دولتی و عملیات فردی تروریستی؟ اگر این فرق را خوب بفهمیم به اهریمنی بودن سیاست های آمریکا در خاور میانه و فجایی که به بار خواهد آورد نیز پی خواهیم برد. وقتی یاسر عرفات در دفتر کارش به محاصره افتاد و نیروهای اشغالگر اسرائیلی وی را به گروگان گرفتند، دائماً تحت فشار قرار داشت که ترور و تروریسم مبارزین را محکوم کند. ایالات متحده تروریسم دولتی اسرائیل را «دفاع از خود» تعریف می کند، حال آنکه کسانی را که به عملیات انتحاری انفجاری دست می زنند تروریست می نامد.

تنها فرق اندک این است که مسؤلیت اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل به عهده آرئیل شارون، بنیامین بن الیعازر [وزیر دفاع]، شیمون پرز [وزیر خارجه] و شائول موفاز [رئیس ستاد ارتش] است، در حالی که عملیات فردی تروریستی را افرادی نومیّد، و معمولاً برخلاف میل و اراده عرفات انجام می دهند. يك ساعت پس از آنکه عرفات با آتش بس موافقت کرد و عید پاک را به یهودیان شادباش گفت، يك نفر خود را در هتل ناتانیا [نزدیک تل آویو] با بمب منفجر کرد و ۲۲ بیگناه را که در جشن عید پاک شرکت داشتند کشت. عرفات را مسؤول این اقدام شمردند و بر اساس این اتهام عملیات وسیع کنونی ارتش را توجیه کردند.

در همین حال، مسؤلیت شارون در جنایات جنگی اسرائیل به کلی نادیده گرفته می شود. در برابر قتل های هدفمند حدود ۱۰۰ تن از فلسطینی ها چه کسی را باید دستگیر کرد؟ در برابر قتل بیش از ۱۲۰ تن از هیأت پیراپزشکی فلسطینی چه کسی را باید به زندان انداخت؟ در برابر قتل بیش از ۱۲۰۰ فلسطینی و مجازات دستجمعی بیش از ۳ میلیون نفر طی مدت ۱۸ ماه گذشته چه کسی را باید

محاکمه کرد؟ در برابر شهرک سازی های غیر قانونی در اراضی اشغالی فلسطینی و سرپیچی از قطعنامه های ملل متحد طی ۲۵ سال گذشته چه کسی را باید در دادگاه بین المللی به محاکمه کشید؟

عملیات انفجاری که منجر به قتل شهروندان می شود باید صریحاً محکوم شود. این ها اقداماتی غیر اخلاقی ست و مرتکبین آن باید به زندان بیفتند ولی آن ها رانمی توان با تروریسم دولتی که حکومت اسرائیل مرتکب می شود، مقایسه کرد. عملیات انتحاری فردی اقدامات نومیدانه ای ست از طرف مردمی که برای خود آینده ای نمی بینند و از سوی افکار عمومی بین المللی به نحوی غیر منصفانه و برخلاف حقیقت نادیده گرفته می شوند. در حالی که اقدامات دولت اسرائیل مبنی بر تصمیمات خونسردانه و از پیش محاسبه شده ای صورت می گیرد که دولت و دستگاه های نظامی اشغالگر با تجهیزات کامل، با تأمین مالی و برخوردار از حمایت تنها ابرقدرت جهانی به اجرا درمی آورند.

با وجود این، در مباحث عمومی، تروریسم دولتی و عملیات انتحاری فردی را حتی به عنوان عملیاتی که با هم قابل مقایسه اند، در نظر نمی گیرند، بلکه تروریسم دولتی و جنایاتی را که دولت اسرائیل مرتکب می شود، به عنوان «دفاع از خود» مشروعیت می دهند و در همین حال از عرفات که در محاصره قرار دارد می خواهند که تروریست ها را دستگیر کند.

من می خواهم بپرسم: چه کسی شارون را که مستقیماً مسئول دستور قتل فلسطینی ها ست دستگیر خواهد کرد؟ چه موقع او را نیز تروریست خواهند نامید؟ دنیا فریاد فلسطینی ها را که تنها خواستشان آزادی و استقلال است، تا کی نشنیده و نادیده خواهد گرفت؟ دنیا چه وقت به این امر توجه خواهد کرد که هدف دولت اسرائیل نه برقراری امنیت، بلکه ادامه اشغال و به زیریوغ کشیدن مردم فلسطین است؟

ما به عنوان اسرائیلی هایی که در اپوزیسیون قرار داریم با دولت خودمان مبارزه می کنیم ولی حمایت بین المللی که شارون از آن برخوردار است مبارزه ما را همواره به خطر می اندازد. افکار عمومی بین المللی در کلیت خود باید دگرگون شود. ملل متحد باید نیروهای بازدارنده مستقر کند تا خون ریزی را متوقف سازد

و از بدتر شدن قریب الوقوع اوضاع جلوگیری کند. اسرائیلی ها و فلسطینی ها شدیداً نیازمند بیداری افکار عمومی در جامعه بین المللی و تغییر رفتار آن اند. این ها ست آنچه بدانها نیازمندیم تا زندگی خود را (به معنای مادی کلمه) حفظ کنیم و امید به آینده ای بهتر برایمان باقی بماند.

(مطالبی که تا کنون آورده ایم در آرش شماره ۸۰ چاپ شده است.)

متن زیر در حمایت از حقوق ملی مردم فلسطین، در فرانسه، در اختیار همگان گذارده شده تا با امضای آن پشتیبانی خود را از مبارزه مردم فلسطین و نفرت خود را از سیاست سرکویگرانه اسرائیل اعلام کنند.

دیگر بس است! دیگر تحمل ناپذیر است!

رهبران فلسطینی، و در رأس آن ها یاسر عرفات، که چندی پیش دست اسحاق رابین را فشردند، امروز در شهر رام الله، در محاصره تانک های اسرائیلی گرفتار اند.

باران بمب بر سرزمین های فلسطینی، که هنوز بخشی از ملت فلسطین در آن بسر می برد، فرو می ریزد. هیچ چیز، واقعاً هیچ چیز - از جمله سوء قصد های غیر قابل قبول انتحاریون - نمی تواند توجیه گر این اقدامات اسرائیل باشد. ملت فلسطین حق دارد که آزادانه زندگی کند. حق دارد که دولتی حقیقی داشته باشد.

اینک وقت آن است، اینک وقت آن فرا رسیده است که ملت اسرائیل، و همه ملت های جهان آگاه شوند و به حرکت در آیند. شرم بر ما باد، اگر فریاد سر ندهیم که: «دیگر بس است! دیگر تحمل ناپذیر است!» پاریس ۱۳ دسامبر ۲۰۰۱.

نخستین امضاء کنندگان این تراکت از معتبر ترین روشنفکران و دانشگاهیان فرانسه اند. این تراکت با صدها امضاء در روزنامه لوموند، مورخ ۲۱ دسامبر، منتشر شد و در بین آن ها نام بسیاری از شخصیت های منسوب به یهودیان نیز دیده می شد. همین تراکت در لوموند ۱۴-۱۳ ژانویه ۲۰۰۲ با حدود دوهزار امضا منتشر گشت.

دو اطلاعیه از انجمن همبستگی فرانسه - فلسطین

پاریس ۲۰ مارس ۲۰۰۲

۱

یاسر عرفات در محاصره است ولی مصمم تر از هر زمان دیگر

چهار نفر از داوطلبان غیر نظامی از ملیت های مختلف که در هیأت های ارسالی برای حمایت از مردم فلسطین به خاور میانه سفر کرده اند از جمله ژوزه بووه (رئیس سندیکای دهقانان فرانسوی) و یکی از خانم های فعال در انجمن همبستگی فرانسه - فلسطین، یک آمریکایی و یک ایتالیایی، امروز با یاسر عرفات در شهر محاصره شده رام الله ملاقات کردند..

آن ها در میدان اصلی شهر که کاملاً در اشغال تانک های اسرائیلی ست دست به تظاهرات زدند، تظاهراتی که شامل پزشکان و آمبولانس ها نیز بود که هدف تیر اندازی ارتش اسرائیل اند. هیأت داوطلبان بین المللی توانستند چهار آمبولانس را در حالی که چهار داوطلب بین المللی، سه پزشک فلسطینی سر نشینان آن ها را تشکیل می دادند، همراه با مواد غذایی و دارو به درون مقر فرماندهی عرفات ببرند.

یاسر عرفات در حالی که نور شمع دفتر کار او را روشن می کرد از هیأت استقبال کرد و بارها تکرار نمود که تروریسم دولتی اسرائیل هرگز نخواهد توانست بر مقاومت فلسطین چیره شود و اینکه این مقاومت تا به آخر، تا نیل به استقلال فلسطین به پیش خواهد رفت.

این دیدار فرصتی بسیار مهم بود. مبارزان غیر نظامی با به خطر انداختن جان خویش، بدانجا رفته بودند تا کمکی را تقدیم دارند که شهروندان می توانند به یک رئیس دولت و ملتی تحت محاصره بدهند. امروز دولت ها باید مسؤلیت خود را بر عهده گیرند. شورای امنیت ملل متحد باید برای ارسال نیروهای حفاظت از ملت فلسطین فوراً تصمیم گیری و اقدام کند. هیچ چیز نمی تواند تأخیر را توجیه نماید. در غیر این صورت، شورای امنیت در جنایت شریک است.

۲۰ مارس ۲۰۰۲

جنگ شدید اسرائیل علیه مردم فلسطین

پرزیدنت عرفات: اروپا باید فوراً دخالت کند

یک خمپاره از یک هلی کوپتر به نزدیکی مقر فرماندهی یاسر عرفات اصابت کرد. هلی کوپترها به پرواز خود بر فراز مقر ادامه می دهند. چندین نفر از افراد محافظ وی با خونسردی به قتل رسیده اند. ما نگران جان پرزیدنت عرفات هستیم. شک نیست که شارون به جنگی شدید علیه مردم فلسطین، بلکه علیه کل ملل منطقه دست یازیده است. در رام الله، ارتش و تیراندازان آن، آپارتمان های افراد را اشغال کرده و خانه به خانه به تفتیش مشغول اند. ارتش اسرائیل در شهرهای بیت جلا، هبرون (خلیل)، غزه، بیت اللحم وارد شده و شارون کشورهای سوریه و لبنان را تهدید کرده است. تانک های اسرائیلی امروز جنوب لبنان را بمباران کرده اند. انتخاب جنگ فاجعه ای ست نه تنها برای مردم فلسطین، بلکه برای امنیت منطقه، چه در حال حاضر و چه در آینده.

آخرین سخنان جرج و. بوش چنان مزورانه است که از آن همدستی جنایتکارانه با اسرائیل به خوبی هویدا ست.

اروپا نباید منتظر باشد که آمریکا حسن نیت نشان دهد و برای پایان دادن به سیاست کشتار و جنگی که یک دولت علیه مردمی غیر نظامی راه انداخته اقدام کند. فوریت دارد که اروپا جان پرزیدنت عرفات را نجات دهد، چرا که او شرط مطلق برای بازگشت امید صلح به منطقه است. فوریت دارد که اروپا در حفاظت از جان مردم فلسطین بکوشد. دیگر نمی توان بیش از این منتظر ماند.

اخبار تظاهرات توده ای در کشورهای اروپایی را در حمایت از مبارزه استقلال طلبانه مردم فلسطین و علیه جنایات و تروریسم دولتی اسرائیل می توانید روی سایت فوق و نیز روی سایت فلسطین (با استفاده از بخش [Link](#) سایت ما) بیابید.

چند خبر کوتاه از

جنایات وحشیانه ارتش اسرائیل در روزهای اخیر

ارتش اسرائیل پس از اشغال مجدد شهر رام الله (واقع در ساحل غربی رود اردن) در ۲۹ مارس ۲۰۰۲، جوی خون به راه انداخته و برای اینکه ادامه جنایت به دور از چشم دیگران صورت گیرد، این شهر را از ۳۱ مارس، «منطقه ممنوعه نظامی» اعلام کرده و خبرنگاران را از شهر بیرون کرده است.

خبرگزاری فرانسه (AFP) از اعدام های دستجمعی و جنایت های وحشیانه گزارش داده است. خبرنگار این خبرگزاری، با گزارش اعدام خونسردهانه ۵ تن از گارد محافظ یاسر عرفات، اضافه می کند که دیروز گروهی فلسطینی از يك ساختمان واقع در مرکز رام الله، در حالی که فقط زیر پیراهن به تن داشتند به حالت تسلیم بیرون آمدند ولی در اثر آتش سربازان اسرائیلی سه نفر جلو، در دم کشته شدند. خبرنگار فرانسوی می گوید که به چشم خود، لباس های سرپا خونینی را در مقابل همان ساختمان دیده است.

بر پایه همین گزارش، ۴ فلسطینی دیگر که در باشگاه اسلامی شهر پناه گرفته بودند، در اثر تیراندازی سربازان اسرائیلی به سختی مجروح شده اند ولی ارتش اسرائیل از انتقال آنان به بیمارستان جلوگیری کرده و در اثر شدت خونریزی درگذشته اند (۲ آوریل ۲۰۰۲).

روزنامه لوموند (۲ آوریل ۲۰۰۲) نیز گزارشی از شدت خشونت ها و وحشیگری های ارتش اسرائیل در مناطق اشغالی به ویژه رام الله به چاپ رسانده است. ارتش اسرائیل از ورود امدادگران به شهر رام الله جلوگیری می نماید. روز سه شنبه تانک های ارتش اسرائیل وار چند شهر دیگر فلسطینی از جمله تولکرم و بیت اللحم گردیده اند.

اسرائیل همه مقررات بین المللی را زیرپا می گذارد تا جایی که روز سه شنبه ۲ آوریل از ورود هیأت کنسولی اروپا شامل دیپلمات های فرانسوی، اسپانیایی، سوئدی و ... به شهر رام الله جلوگیری کرد و هیأت مجبور به بازگشت به بیت المقدس شد.

مشاهدات ژوزه بووه

José Bové سخنگوی سندیکای کشاورزان (فرانسه) و از مبارزین جنبش «ضد جهانی شدن» به اتفاق ۵ تن از هیأت پشتیبانی از فلسطین، بعد از ظهر سه شنبه (۲ آوریل) به فرانسه بازگردانده شد. آنان که با ده ها تن دیگر از اروپائیان و آمریکائیان برای پشتیبانی از فلسطین به خاورمیانه رفته بودند و در آنجا با یاسر عرفات دیدار کرده و از مبارزات مردم فلسطین پشتیبانی نموده بودند به دستور دولت اسرائیل اخراج شدند.

سفر هیأت هایی از شهروندان اروپایی به فلسطین اقدام انترناسیونالیستی مهمی ست که از چند ماه پیش گسترش قابل توجهی یافته و هم اکنون صدها تن از اروپائیان و آمریکائیان مدافع مردم فلسطین در آنجا به سر می برند و با خدمات پزشکی، فرهنگی خود و گاه در حد امکان، ممانعت از سرکوب فلسطینی ها ... یا شاهد ماجراهای روزمره مبارزات این ملت بودن و مشارکت در آلام و دشواری مردمی تحت اشغال، وظیفه انترناسیونالیستی و تاریخی خود را به انجام می رسانند. شك نیست که وجود اینان تا حد زیادی مانع از آن است که سیاست اسرائیل و آمریکا مبنی بر نابودی يك خلق از چشم جهانیان مخفی بماند.

اینک گوشه ای از مشاهدات ژوزه بووه را از زبان خود او می آوریم:

«ما ۴۸ ساعت در يك اردوگاه ارتش اسرائیل زندانی بودیم. در آنجا صحنه های فوق العاده تکان دهنده ای دیدیم. صدها فلسطینی که شبانه ربوده شده بودند در اردوگاه های جنگی که با برج دیدبانی مراقبت می شود نگهداری می شدند. قبل از عزیمت ما از رام الله، ارتش اسرائیل وارد مرکز درمانی آنجا شد و حتی داروها را نیز نابود کرد (...). در رام الله آب وجود ندارد. بولدوزرهای اسرائیلی همه چیز را نابود کرده اند.»

مقر فرماندهی یاسر عرفات مدتی ست که در محاصرهء کامل تانک های اسرائیلی ست و از آب و برق محروم است. حدود ۲۰۰ نفر که عموماً از مسؤولین فلسطینی هستند در این مقر زندانی اند. حدود ۵۰ تن از مبارزان انترناسیونالیست اروپایی و آمریکایی که به درون ساختمان رفته بودند از آن خارج نشده اند و در

آنجا مانده اند تا همچون سپری انسانی در برابر ارتش اسرائیل از جان یاسر عرفات و حقوق مردم فلسطین دفاع کنند.

ژوزه بووه می گوید: «ما دو بار با یاسر عرفات در مقر فرماندهی اش ملاقات کردیم، او را بسیار مصمم و با اراده یافتیم. وی به ما گفت: ممکن نیست تسلیم شوم. مذاکره با اسرائیل دیگر مطرح نیست. من ترجیح می دهم ایستاده بمیرم.» [شارون که در تحقیر و سرکوب فلسطینی ها حدی نمی شناسد گفته است که عرفات می تواند به تنهایی از منطقه (فلسطین - اسرائیل) خارج شود ولی عرفات آن را قاطعانه رد کرده است.]

ژوزه بووه اضافه کرد: «خلق فلسطین بر پا ایستاده است. این حمله نتوانسته است خلق فلسطین را شکست دهد. شجاعت او هم مانند اراده اش بر ادامهء مبارزه است تا به آخر.»

(با استفاده از گزارش خبرگزاری فرانسه ۲ آوریل ۲۰۰۲)

پیام ۴۰ نفر اروپائی و آمریکائی که در مقر یاسر عرفات هستند

ما چند صدتن از ملیت های مختلف هستیم که خود را در کارزار غیر نظامی برای حمایت از مردم فلسطین متعهد دانسته ایم و هم اکنون در فلسطین بسر می بریم، در رام الله، در مقر ریاست تشکیلات خودمختار فلسطین، در بیمارستان ها، در بیت المقدس شرقی و در اردوگاه های پناهندگان بیت اللحم و غزه. ما از زمانی که به فلسطین آمده ایم خواستمان حمایت از ملت فلسطین در برابر کشتارهایی ست که پیش چشممان توسط نیروهای اشغالگر صورت می گیرد: بمباران شهرها، اردوگاه ها، بیمارستان ها، خانه ها، زیربناها، قطع کامل آب و مواد غذایی و مواد دارویی، اعدام های دستجمعی غیر نظامیان و مقاومتگران، دستگیری های جمعی و خودسرانه، حمله سیستماتیک به آمبولانس ها و کارکنان پیراپزشکی و معابد، اخراج روزنامه نگاران و ناظران از مناطق اشغالی، که غالباً

با اعمال زور صورت می گیرد.

در مقابله با ورشکستگی دولت ها و مؤسسات بین المللی، ما صدها هزار نفر و میلیون ها انسان را که در سراسر جهان بسیج شده اند فرا می خوانیم که هیأت های نمایندگی اسرائیل و مؤسسات بین المللی مربوطه و دولت ها را تحت فشار بگذارند تا زمانی که:

۱- اشغال اسرائیل از سرزمین های فلسطینی پایان یابد،

۲- کلیه قطعنامه های ملل متحد و چهارمین معاهده ژنو، فوراً به اجرا

درآید

۳- نیروی بین المللی برای حفاظت از مردم فلسطین مستقر گردد.

ما شهروندان اسرائیلی را از زن و مرد فرا می خوانیم تا علیه سیاست جنایتکارانه دولت شان دست به تظاهرات بزنند،

ما از مردم دنیا می خواهیم که همین الآن به اینجا، به فلسطین، بیایند و در اقدام به حفاظت از مردم فلسطین تا نیل استقلال شرکت کنند.

مقاومت در برابر اشغال و ستم گری حق و وظیفه ای عمومی و جهانی ست.

امضاء:

۴۰ نفر از ملیت های مختلف که در يك أكسیون همبستگی در مقر عرفات بسر

می برند.

این متن در ساعت ۴ بعد ازظهر روز ۵ آوریل، پس از دیدار فرستاده آمریکا، آنتونی زینی، از پرزیدنت عرفات، به وسیله تلفن ارسال شده است. آن ها متنی نیز به همین مضمون به آنتونی زینی داده اند.

* * *

به دنبال تظاهرات متعددی که تا کنون در فرانسه، در شهرهای مختلف و در حمایت از حقوق مردم فلسطین برپا شده، فردا، شنبه ۶ آوریل نیز تظاهراتی سراسری از جمله در پاریس برپا می شود.

حرکت از میدان Denfert-Rochereau در ساعت ۲ بعد ازظهر

۶ آوریل ۲۰۰۲:

ده ها هزار قلبی که در پاریس برای فلسطین تپید

گزارشی از تظاهرات پشتیبانی از ملت فلسطین در برابر اشغالگران

(اسرائیلی)

تجاوز وحشیانه ارتش اسرائیل به سرزمین های فلسطینی یادآور جنایت های شارون در صبرا و شاتیللاست. این وحشیگری ها با اعدام های دستجمعی، ویرانی خانه ها، قطع آب و برق، بمباران بیمارستان ها، گلوله باران اماکن مذهبی مسیحیان و مسلمانان، دستگیری های بی حساب، آدم ربایی ها، کشتار زنان و کودکان همراه است. فاجعه از این هم فراتر رفته، کار به از بین بردن دستاوردهای اجتماعی و سیاسی فلسطینی ها طی قریب ۵۰ سال گذشته و انکار هویت ملی این خلق و مؤسسات سیاسی و قانونی آن، و بالاخره محاصره و تحقیر رهبر تاریخی و منتخب این ملت یاسر عرفات کشیده است و این خشم و فریاد آزادیخواهان و دوستداران صلح و آزادی در فلسطین را برانگیخته است.

در ادامه کارزار پشتیبانی از مقاومت فلسطین علیه اشغالگران اسرائیلی، و پس از چندین آکسیون کوچک و بزرگ طی هفته های گذشته، در روز شنبه ۶ آوریل، تظاهرات بی سابقه ای از ساعت ۱۵ تا ۲۰ در مرکز شهر پاریس برگزار شد. این تظاهرات که بنا به گفته برگزار کنندگان بین ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر در آن شرکت کرده بودند، بزرگترین نمایش همبستگی با مبارزات خلق فلسطین در سال های اخیر بود.

بیش از پنجاه انجمن، حزب و سازمان چپ و مترقی دعوت به تظاهرات را امضاء کرده بودند. در میان آنان می توان از انجمن همبستگی فرانسه - فلسطین، جامعه دفاع از حقوق بشر، سندیکای عمومی کارگران فرانسه، انجمن فرانسوی علیه نژادپرستی، جنبش علیه نژادپرستی، اتحادیه دانشجویان فرانسه، کمیته دفاع از عزمی بشاره (نماینده عرب در مجلس اسرائیل که به دلیل دفاع از مقاومت فلسطینی ها علیه اشغال، در اسرائیل محاکمه شده است)، حزب مبارزه کارگری (L. O)، اتحادیه کمونیستی انقلابی (L. C. R.)، حزب کمونیست فرانسه، حزب سبزها، انجمن یهودیان فرانسوی برای صلح، جامعه شهروندان فرانسوی

عرب تبار و یهودی تبار، اتحادیه دانشجویان فلسطینی، انجمن های متعدد مهاجرین عرب و... همچنین کارزار بین المللی برای حفاظت از خلق فلسطین CCIPPP (که هم اکنون ۴۰ نفر از اعضای آن در کنار یاسر عرفات در رام الله بسر می برند) نام برد.

ده ها هزار نفر در خیابان های پاریس راهپیمایی کردند تا خطری را که آرمان فلسطین را تهدید می کند به جهانیان گوشزد نمایند و از مقامات اتحادیه اروپا و رئیس جمهوری و نخست وزیر فرانسه بخواهند که برای توقف کشتار فلسطینیان اقدام فوری به عمل آورند.

کمیته برگزاری تظاهرات، حملات ضد یهودی اخیر در فرانسه علیه معابد و اماکن یهودی را محکوم کرده، هر نوع خلط بین پشتیبانی از مقاومت فلسطین، افشای تجاوزات اسرائیل علیه فلسطینیان و این حرکات ضد یهودی را مردود شمرده بود.

هدف تظاهرات را می توان چنین خلاصه کرد:

- عقب نشینی اسرائیل از سرزمین های اشغالی،
- اعزام فوری نیروی بین المللی برای حفاظت از خلق فلسطین،
- تعلیق قراردادهای همکاری بین اتحادیه اروپا و اسرائیل (توجه کنیم که اروپا شریک اول تجارت خارجی اسرائیل است)،
- جانبداری از حقوق ملی خلق فلسطین و اجرای فوری قطعنامه های ملل متحد،

- جانبداری از یک صلح پایدار و عادلانه بین فلسطین و اسرائیل،
- مخالفت با خشونت های نژادپرستانه در فرانسه از جمله علیه یهودیان یا اعراب،

فریاد خشم تظاهر کنندگان، به طور نسبی، در مطبوعات، رادیو و تلویزیون انعکاس یافته است. شعارهای تظاهرات:
بوش، شارون: قاتل / همبستگی با مردم فلسطین / شارون می کشد، انتفاضه ادامه دارد / قطع کمک های اروپا به اسرائیل / شارون باید در محکمه بین المللی

محاكمه شود / ارتش اسرائیل بیرون از سرزمین ها / اشغال بس است / صبرا و شاتیل: شارون، فراموش نکرده ایم/هیتر فقط يك پسر دارد: شارون / شهرک های مستعمره نشین باید برچیده شوند/ ما همه فلسطینی هستیم...

همزمان با این تظاهرات پرشکوه، تظاهرات متعددی در شهرهای دیگر فرانسه از جمله در بندر مارسای، استراسبورگ، گرونویل، نانت، رن، مون پولیه، لیل، لیون، تور، روان، نیس برگزار گردید.

در پایان این گزارش کوتاه، سخن یکی از طنزپردازان تلویزیون فرانسه (کانال ۴) را می آوریم که دیروز اعلام کرد: جایزه آدولف هیتر سال ۲۰۰۲، به آریل شارون تعلق گرفت.

از طرف دیگر انجمن های یهودی فرانسه اعلام کرده اند که روز یکشنبه ۷ آوریل علیه اقدامات ضد یهودی و به حمایت از اسرائیل تظاهرات خواهند کرد. چون این تظاهرات حمایت از دولت و ارتشی اشغالگر است برخی از محافل اجتماعی از جمله جنبش ضد راسیسم معروف به SOS Racisme از این فراخوان فاصله گرفته و حاضر نشده است در این تظاهرات شرکت جوید. شخصیت های علمی و دانشگاهی متعددی نیز که تبار یهودی دارند از جمله دانیل بن سعید (فیلسوف و استاد دانشگاه، پی یر ویدال ناکه (مورخ) فرانسیس کان (پزشک و استاد دانشگاه)، کاترین ساماری (اقتصاد دان) دومینیک له وی (اقتصاد دان)، ژیزل حلیمی (وکیل مدافع معروف) و غیره در روزنامه لوموند مورخ ۶ آوریل، مقاله ای را دستجمعی امضاء کرده اند که عنوان آن این است: «حمایت از اسرائیل؟ به نام ما هرگز».

تهیه کننده گزارش بهروز افشین

گوشه‌هایی از حمایت از خلق فلسطین در سوئد:

داگنس نیهتر، روزنامه‌ساز صبح سوئد ۷ آوریل:

- اسرائیل رابطه تلفنی نخست وزیر سوئد را با عرفات قطع کرد. نخست وزیر، یوران پرشون، از جمعه گذشته تا به حال سه بار کوشیده است با عرفات تلفنی تماس بگیرد، اما اسرائیل این مکالمات را مانند دیگر مکالمات عرفات با مقامات جهانی قطع کرده است. نخست وزیر گفت «این غیر قابل قبول است و قابل تحمل نیست. عرفات منتخب مردم فلسطین است». سوئد شفاهاً به دولت اسرائیل اعتراض کرده است.

- روز ۶ آوریل در استکهلم تظاهرات پرهیجان و با شکوهی با شرکت هزاران نفر از سوئدی‌ها و مهاجرین صورت گرفت که در مسیر تظاهرات تا پارلمان سوئد مورد استقبال انبوهی از مردم قرار گرفت. تظاهرکنندگان خواستار فشار بر اسرائیل برای عقب نشینی از فلسطین و پشتیبانی از خلق آن بودند.

- برای اعتراض به اسرائیل از طریق «عفو بین‌المللی» و در رابطه با دستگیری هزاران بی‌گناه فلسطینی، می‌توانید از طریق آدرس الکترونیکی زیر، امضای خود را در اعتراض نامه آن سازمان بگنجانید:

campaigners@stoptorture.org

- روزنامه‌ساز مترو (سوئد) ۶ آوریل:

کمیته نوبل از دادن جایزه صلح نوبل به شیمون پرز پشیمان است.

اعضای کمیته نوبل در نروژ از اینکه به وزیر خارجه فعلی اسرائیل شیمون پرز در سال ۱۹۹۴ جایزه صلح داده‌اند ابراز پشیمانی کردند. این جایزه به طور مشترک به رابین، پرز و عرفات داده شده بود. اعضای کمیته نوبل می‌گویند کاش امکان پس گرفتن این جایزه از پرز می‌بود. یکی از اعضای کمیته می‌گوید: در سال ۱۹۹۴ من فکر می‌کردم که او بیش از دو نفر دیگر شایسته این جایزه است. اما امروز او در مسیر اتهام به ارتکاب جنایات جنگی است.

محصولات اسرائیلی را تحریم کنید!

اعلامیه زیر را يك انجمن فرانسوی پشتیبان مقاومت فلسطین در شهر تولوز (فرانسه) منتشر کرده و آن را برخی از دوستان ایرانی علاقه مند به مقاومت فلسطین در بلژیک برای ما فرستاده اند که در زیر می آوریم:

فلسطین دولت اسرائیل را پذیرفته و به رسمیت شناخته است، و در عوض مصرانه از اسرائیل می خواهد که از اشغال نظامی و غیر قانونی سرزمین های فلسطینی (غزه، ساحل غربی و بیت المقدس شرقی) دست بردارد. این بخش از اراضی فلسطین در سال ۱۹۶۷ به اشغال اسرائیل درآمد.

با این حال، اسرائیلی ها حاضر نیستند از این سرزمین ها خارج شوند (و کلیه قطعنامه های ملل متحد را در این باره به هیچ گرفته اند و دنیا هم ساکت است). علاوه بر این، به ساختن مهاجرنشین های یهودی ادامه می دهند، با اینکه این شهرک سازی ها نیز از نظر قانون بین المللی ممنوع است. آن ها به هر وسیله می کوشند فلسطینی ها را از خانه ها و روستاها و شهرها شان بیرون کنند و مجبور به کوچ نمایند.

ده ها سال است که فلسطینی ها در برابر این سیاست و اشغال نظامی مقاومت می کنند، همان طور که سیاه پوستان آفریقای جنوبی در برابر رژیم آپارتاید ایستادگی کردند. آن ها جز مقاومت، انتخابی ندارند.

خیلی ساده است که فکر کنیم که از این راه دور از دست ما کاری ساخته نیست، ولی به یاد بیاوریم که تحریم محصولات آفریقای جنوبی در سال های ۱۹۸۰ عامل مهمی در شکست آپارتاید بود.

برای شما خرجی نخواهد داشت اگر محصولات اسرائیلی را نخرید! قبل از خرید، نام کشور تولید کننده محصول را جویا شوید خصوصاً خیلی میوه ها، سبزی ها، آب میوه ها که یا روی آن Made in Israel, JAFPA, CARMEL نوشته شده است.

اینک فراخوان زیر را که یک خانم فمینیست از فرانسه برایمان ارسال داشته می خوانید با تشکر از ایشان:

زنان فلسطینی زیر آتش گلوله ها

فراخوان کمک: جان ما را نجات دهید

از ۲۹ مارس ۲۰۰۲ که تجاوز نوین اسرائیل به سرزمین های فلسطینی آغاز و تشدید شده حق حیات زنان فلسطینی در معرض خطر جدی قرار دارد. نیروهای نظامی اشغاکر اسرائیلی از رسیدن زنان باردار به بیمارستان ها و درمانگاه ها ممانعت می کنند. زنان در برابر پست های بازرسی اسرائیلی که بدانها حق عبور نمی دهند می میرند، نوزادان می میرند و جنین ها متولد نشده تلف می شوند. تحت اشغال و بمباران زنان مجبورند به دور از پزشک و دارو درخانه ها بمانند و با مرگ رو به رو باشند. زنان فلسطین از همهء مردم جهان به خصوص سازمان مدافع حقوق بشر می خواهند که دست به کار شوند و مانع از کف رفتن جان زنان و نوزادان شوند.

برای اطلاع بیشتر می توانید با خانم دکتر سلوی نجاب Salwa Najjab در «مؤسسه بهداشت و توسعهء اجتماعی» تماس بگیرید: تلفن: ++۹۷۰-۲-۲۳۴۴۶۷۷-۲۳۴۴۶۷۸ فکس ++۹۷۰-۲-۲۳۴۴۶۷۶ و پست الکترونیکی زیر: Juzoor@yahoo.com

انجمن های متعدد زنان وجود دارد و همگی با دشواری های فراوان رو به رو هستند.

به ضمیمهء فراخوان فوق، موارد متعددی از حوادثی که منجر به تلف شدن نوزادان یا مادران و یا هر دو منجر شده ذکر شده است.

۱۳ آوریل ۲۰۰۲.

درفرانسه: طی يك ماه، ۲۵۰۰ هنرمند، شخصیت های فرهنگی، پزشکان، متخصصین در رشته های مختلف علمی و حقوقدانان فراخوان زیر را امضا کرده اند:

جانبداری از صلحی عادلانه و فوری در خاور میانه

ما پزشکان، متخصصین علمی، شاغلین حرفه های فرهنگی، وکلای دادگستری، قضات و حقوقدانان از اینکه در اسرائیل و سرزمین های فلسطینی تحت اشغال اسرائیل وضع روز به روز فاجعه آمیزتر می شود منقلب و برآشفته ایم.

فکر صلح بین فلسطینیان و اسرائیلیان که در ۱۹۹۲ و سال ۲۰۰۰ مطرح شد، امروز دیگر بیش از يك خاطره نیست.

دولت و ارتش اسرائیل هر روز اوضاع غیر انسانی تری را با اعمال زور به مردم فلسطین در غزه و ساحل غربی تحمیل می کنند. نخست وزیر اسرائیل، آریل شارون، همو که از فرآیند صلح اوسلو همچون «بدترین فاجعه» برای اسرائیل سخن می راند، مسؤولیت عمده این اوضاع را بر عهده دارد.

این سیاست برای مردم اسرائیل نیز سیاستی جنایتکارانه است، زیرا تاوان اشغال را با مرگ غیر نظامیان بیگناه، آنگاه که در معرض سوء قصد های کور قرار می گیرند، می پردازند. اسرائیلی ها نمی توانند با سوق دادن ملتی به نومیدی، انتظار زندگی در صلح و امنیت داشته باشند.

مضافاً بر این، ما نگران تاثیر شوم این کشمکش در روابط بین فرانسویهایی یهودی تبار یا عرب تبار هستیم که در چارچوب جمهوری فرانسه زندگی می کنند. ما به نوبه خود مایل ایم که برای جوانان، نمونه ای از روحیه گفتگو و تبادل نظر به دست دهیم و آن ها را در يك پیکار شهروندی مشترک علیه کلیه اشکال نژادپرستی بسیج کنیم. همان گونه که به فرانسوی های عرب تبار یا مسلمان تبار می گوئیم هموطنان یهودی تبار آنان مسؤول مصائب فلسطینی ها نیستند، به فرانسویان یهودی تبار، و به طور گسترده تر کل افکار عمومی نیز می گوئیم که انتقاد از سیاست اسرائیل به معنی ضدیت با یهود (آنتی سمیتیسم) نیست.

ما کلیه اعضای جامعه اسرائیل و فلسطین را که طی سال های اخیر

توانستند آرزوهای خود را برای صلح به گوش جهانیان برسانند، و به همه فرانسویان که دوستدار ملت های فلسطین و اسرائیل هستند و علاقمند اند که صلح را در خاور میانه مستقر ببینند فرا می خوانیم که به مطالب فوق توجه کنند. خواست ها عبارت اند از:

- احترام به اصول و قطعنامه های ملل متحد و نیز معاهدات ژنو،
- تشکیل نیروی حفاظت بین المللی [و ارسال به خاور میانه]،
- برچیدن مستعمرات [مهاجرنشین ها] ای اسرائیلی و عقب نشینی فوری ارتش اسرائیل از سرزمین هایی که در سال ۱۹۶۷ اشغال شده است،
- برپایی يك دولت فلسطینی در کنار دولت اسرائیل، و رعایت متقابل حقوق و آرزوهای مشروع دولت.

نه ملت فرانسه و نه رهبران آن نمی توانند در برابر فاجعه ای که در آن سوی مدیترانه در جریان است بی اعتنا بمانند. امضاء کنندگان این فراخوان از هر فرصتی استفاده خواهند کرد تا موضع کاندیداهای انتخابات ریاست جمهوری آینده را در قبال این خواست ها جويا شوند.

روی ســــــــــــــایت اینتــــــــــــــرنــــــــــــــتی
<http://www.PaixJusteAuProche-Orient.com> می
توانید این فراخوان (به زبان های مختلف) و ۲۵۰۰ امضاء را بیابید و خود
نیز بدان بپیونددید (نقل از لوموند ۱۳ مارس ۲۰۰۱).

برای حمایت سیاسی و مالی از فلسطین

در کشمکش اسرائیل - فلسطین، ما بیطرف نیستیم
ثابت کنیم که فلسطینی ها در مقاومت عادلانه و قهرمانانه شان تنها
نیستند.

دیگر همه می دانیم که متجاوز کیست و چه کسی به هیچ يك از مقررات بین
المللی و حقوق بشر کردن نمی نهد؛

همه می دانیم که مردم فلسطین نه تنها از نظر سیاسی و اقتصادی، بلکه از
نظر صرف ادامه حیات، در معرض خطر و طرد از میهن و نابودی و تکرار فاجعه
۱۹۴۸ قرار دارند؛

همه تا کنون مواضع سیاسی گرفته ایم و قدرت های بزرگ و به خصوص
آمریکا را در جرائم جنگی و جنایات اسرائیل علیه بشریت شریک می دانیم و
معتقدیم که یکی از بدترین خشونت ها و ترورها اشغال است.

اکنون وقت عمل فرا رسیده است. علیرغم پراکندگی جغرافیائی و دور بودن
از یکدیگر، هرچه از دستان بر می آید انجام دهیم. این مبارزه و همبستگی،
انترناسیونالیستی و انسانی ست و می دانیم که این جنگ، اساساً نه دینی و ملی و
قومی، بلکه سیاسی ست، جنگی ناشی از اشغال فلسطین و طرد ملتی از سرزمین
اش.

امروز مبارزان انترناسیونالیست اروپایی و آمریکایی برای همبستگی با
فلسطین، از جمله به طرق زیر فعالیت می کنند:

اطلاع یافتن، اطلاع رساندن، تجمع و اعتراض و شکایت و انتقاد و تظاهرات
و اعمال فشار جامعه مدنی بر سیاستمداران، رفتن به سرزمین های اشغالی و در
کنار فلسطینی ها ماندن و شاهد رنج ها و مقاومت های آنان بودن و دنیا را
از جنایات های اسرائیل با خبر کردن، سرپرستی کودکان بی سرپرست، انواع کمک
های پزشکی و فرهنگی و ...

ما، غیر از موضع گیری سیاسی و شرکت در تظاهرات و فریاد علیه پاکسازی
قومی و تحقیر و نابودی يك ملت، دست کم می توانیم اندکی از مخارج اضافی

بزنیم و در حد خود کمک مالی فراهم کنیم و از طریق انجمن های مبارز همبستگی با فلسطین، ارسال داریم و بدین وسیله بر جراحات وارده مرهم نهیم. خسارت ها به ویژه خسارت های انسانی ناشی از کشتارهای بی حساب، غیرقابل جبران است، دست کم برای بازماندگان و مردمی که به مبارزه ادامه می دهند احساس «تنها نبودن» و مایه دلگرمی فراهم کنیم. مقاومت فلسطین شجاعانه و با قاطعیتی حیرت انگیز ادامه دارد. بیاییم با الهام از پیام انسانی و حکیمانه «بنی آدم اعضای یکدیگرند ...» همراه با امضای این فراخوان هر مبلغی که می توانیم به «انجمن همبستگی فرانسه-فلسطین» که تنها یکی از صدها انجمن پشتیبانی از مقاومت فلسطین در سراسر دنیا ست، کمک دهیم.

ASSOCIATION FRANCE-PALESTINE SOLIDARITÉ
(AFPS)

حساب پستی CCP 34 521 83 N La Source
21 ter Rue Voltaire 75011 Paris
tél : 01 43 72 15 79 Fax : 01 43 72 07 25
E-mail : afps@france-palestine.org
Site : www.france-palestine.org

کمک ها را می توانید مستقیماً به حساب فوق بریزید. آنچه هم که از طریق علاقه مندان به دست ما برسد مانند دفعات پیش به انجمن مزبور تحویل خواهد شد و رسید آن مانند دفعات پیش منتشر خواهد گشت.

از طرف جمع گردآورنده کمک مالی برای فلسطین: تراب حق شناس ۱۰

آوریل ۲۰۰۲

هیأت «پارلمان بین‌المللی نویسندگان»: سفر به فلسطین و حمایت از مبارزه علیه اشغالگران

پارلمان بین‌المللی نویسندگان در آغاز دهه ۱۹۹۰ تشکیل شد و نویسندگان برجسته ای چون ژاک دریدا (فیلسوف فرانسوی)، پی یر بوردیو (جامعه‌شناس فرانسوی)، سلمان رشدی (نویسنده انگلیسی)، محمود درویش (شاعر فلسطینی) و ... از بنیانگذاران آن بودند. یکی از اقدامات این پارلمان این است که به کمک شهرداری‌ها در شهرهای مختلف اروپا برای نویسندگان و هنرمندانی که در کشور خود با سانسور و دشواری‌های دیگر رو به رو هستند، مسکن و هزینه زندگی را، برای مدتی کوتاه یا طولانی، فراهم می‌نماید تا آن‌ها بتوانند فارغ از موانعی که در راه خلاقیت فکری و هنری‌شان وجود دارد به آفرینش آثارشان بپردازند. طی سال‌های گذشته، برخی از نویسندگان و هنرمندان ایرانی نیز توانسته‌اند از این طریق پناهگاهی بیابند و از این موقعیت استفاده کنند. پارلمان، علاوه بر شبکه شهرها، مجله سالانه خود، Autodafé و سایت اینترنتی خود را نیز در اختیار آنان قرار می‌دهد تا بتوانند «در این فضای فکری که در اختیارشان قرار می‌گیرد» صدا و سخن خویش را که دچار اختناق شده به گوش جهانیان برسانند. یکی دیگر از اقدامات این پارلمان افشای سانسور و سرکوب اهل فکر و نظر در هر جای جهان و حمایت از فرهنگ و زبان و فعالیت‌های هنری و فکری و علمی انسانی در مناطقی از جهان است که این فعالیت‌ها با مانع سرکوب و سانسور رو به رو است.

ابتکار ارسال هیأتی از سوی این پارلمان به سرزمین‌های اشغالی و دیدار از محمود درویش، شاعر بزرگ فلسطین که در شهر محاصره شده رام‌الله بسر می‌برد، از آنجا نشأت گرفت که محمود درویش به خاطر همین محاصره، علی‌رغم دوبار تلاش پیاپی، نتوانسته بود به دیدار ول سوینکا، نویسنده نیجریه‌ای و برنده جایزه نوبل در ادبیات (۱۹۸۶) به نیویورک برود. لذا پارلمان تصمیم گرفت که برای

مقابله با این انزوا و شکستن آن، هیأتی مرکب از راسل بانکس (Russel Banks) نویسنده آمریکایی، ول سوینکا (Wole Soyenka) نویسنده نیجریه ای، خوزه ساراماگو (Jose Saramago) نویسنده پرتغالی و برنده جایزه نوبل در ادبیات ۱۹۹۸، بای دائو (Bei Dao) نویسنده چینی، برایتن برایتن باخ (Breyten Breytenbach) نویسنده آفریقای جنوبی، خوان گوی تی سولو (Juan Goytisolo) نویسنده اسپانیایی، وینسنزو کنسولو (Vincenzo Consolo) نویسنده ایتالیایی و کریستیان سالون (Christian Salmon) نویسنده فرانسوی و مدیر اجرایی پارلمان، از ۲۴ تا ۲۹ مارس ۲۰۰۲ به فلسطین و اسرائیل سفر کنند و در آنجا با «نویسندگان و هنرمندان» و همچنین نمایندگان جنبش های جامعه مدنی که برای صلح و گفت و گوی فرهنگی مبارزه می کنند» ملاقات نمایند.

به گفته کریستیان سالون، هدف از سفر این هیأت این است که در سرزمین فلسطین که «در آن زبان (langage) دچار سقوط و فروپاشی شده» حیثیت و اعتبار نخستین را به کلام بازگردانند، و ببینند و گواهی دهند که چگونه با ایجاد مستمر شهرک های مهاجر نشین (مستعمرات) و تخریب انبوه و فراگیر، از جمله تخریب چشم اندازهای طبیعی، حتی اساس و مبنای گفت و گورا نابود می کنند». هدف این است که «دوقطبی شدن» را درهم شکنند و یادآوری کنند که «این منطقه متعلق به کل بشریت» و «نماد و حافظه» تاریخی چند هزار ساله و چند فرهنگی ست و اینکه این میراث انسانی در خطر نابودی قرار دارد. هدف از این سفر، همچنین این است که «سکوت مطلق» روشنفکران در باره فلسطین شکسته شود، در حالی که می دانیم در باره سارایوو، بالکان، چینی و افغانستان بسیار فراوان می نوشتند و می گفتند و هیأت هایی را بدانجاها می فرستادند. «ما می خواهیم کسانی که به «جنگ های فراموش شده» علاقه نشان می دهند، به جنگ هایی نیز توجه کنند که آدم ها را کور و نابینا می کنند و از دیدن واقعیات باز می دارند».

هیأت پارلمان اروپا قصد ندارد جای سیاستمداران را بگیرد و می خواهد، به هر قیمتی شده، از این امر اجتناب کند که از سر ناچاری و یأس به سیاست روی آورد. نکته دیگر اینکه پیش بینی نشده است که این هیأت ملاقاتی با مقامات

اسرائیلی یا فلسطینی داشته باشد. این سفر مختص دیدار با نویسندگان، هنرمندان و دانشگاهیان فلسطینی در رام الله، غزه و بیت المقدس شرقی ست و نیز بازدید از دو اردوگاه آوارگان در نوار غزه. این هیأت در یافا و تل اوویو نیز با دانشگاهیان و نویسندگان اسرائیلی ملاقات خواهد کرد، چنان که با نمایندگان سازمان های غیر دولتی مانند «پزشکان طرفدار حقوق بشر»، با کسانی که در ضرورت يك مداخله بین المللی فراخوان داده اند، با نمایندگان کمیته ای اسرائیلی که مخالف تخریب خانه های فلسطینی ها ست و نیز با نمایندگان بلوک صلح (Gush Shalom) ملاقات خواهد کرد. سرانجام اضافه کنیم که سینماگر فلسطینی سمیر احمد عبدالله و دستیار وی خوزه رینس (Jose Reynes)، کارگردان سینما تیری پدار (Thierry Bédard) و اولیویه پی (Olivier Py) و دستیار او پل روندن (Paul Rondin) هیأت را همراهی می کنند تا پروژهء يك فیلم و يك تئاتر را تدارك نمایند.

گفتنی ست که فراخوان صلح در فلسطین را که پارلمان بین المللی نویسندگان در ۶ مارس منتشر کرده تا کنون ۵۰۰ نفر از نویسندگان، سینماگران، دانشگاهیان، فعالین انجمن ها از ۲۵ ملیت مختلف امضاء کرده اند. پارلمان قصد دارد دوسیه و تحقیق وسیعی را در شمارهء آیندهء Autodafé که در پاییز منتشر می شود به فلسطین اختصاص دهد.

(با استفاده از مقالهء مونا نعیم در لوموند ۲۴ مارس ۲۰۰۲).

اکنون گزارش این سفر را در روزنامهء عربی زبان الحیات (چاپ لندن) مورخ ۲۸ مارس پی می گیریم، اما قبلاً توجه خواننده را به این نکته جلب می کنیم که در آن روزها رام الله هرچند در محاصره بود ولی هنوز اشغال نشده بود. چند روز بعد بود که عملیات وسیع قتل و نابودی و اشغال مجدد شهرهای فلسطینی از جمله رام الله رخ داد.

باری، دیدار هیأت پارلمان بین المللی نویسندگان از رام الله برای حمایت از خلق فلسطین و مقاومت روزمرهء آن در برابر ماشین نظامی اسرائیل، واکنش های متعددی در فلسطین، اسرائیل و دیگر نقاط جهان برانگیخت. نویسندگان و

روشنفکران فلسطینی با آغوش باز و به گرمی، از هیأت استقبال کردند ولی روشنفکران اسرائیلی موضعگیری هایی منفی داشتند و برخی از آنان به این هیأت تهمت هایی زدند.

اعضای هیأت پارلمان بین المللی نویسندگان، طی برنامه ای دوساعته با شمار زیادی از روشنفکران فلسطینی دیدار کردند، سپس پیاده و با عبور از پست بازرسی ارتش اسرائیل به دانشگاه بیرزیت رفتند. از آنجا به اردوگاه آوارگان «الامعری» رهسپار شدند تا ویرانی های ناشی از بمباران های اسرائیلی که توسط تانک و هواپیما در اردوگاه صورت گرفته بود به چشم خود مشاهده کنند. آن ها طی دیدارهای خود با رئیس دولت خودمختار فلسطین، یاسر عرفات، که در رام الله در محاصره است، نیز دیدار کردند. آن ها در مراسمی ادبی و فرهنگی که در يك سالن تئاتر برپا شده بود شرکت کردند و رام الله را در روز سه شنبه ۲۶ مارس ترك کرده ابتدا به غزه و بعد به تل اویو رفتند تا با برخی از نیروهای اسرائیلی مخالف اشغال دیدار کنند. آن ها با هیچ يك از روشنفکران اسرائیلی طرفدار دولت دیدار نکردند.

فاضل صخر، نویسنده الحیات، در گزارش این سفر می نویسد:

در رام الله، محمود درویش از هیأت هشت نفره پارلمان بین المللی نویسندگان که از پاریس برای ابراز همبستگی با انتفاضه، به فلسطین آمده بودند استقبال کرد. آن ها صریحاً اعلام کردند که اسرائیل با اشغال این سرزمین، بهشت را به بیابان بدل کرده و شهرهای اشغال شده فلسطین را شبیه اردوگاه نازی آشوویتس توصیف نمودند.

محمود درویش در پاسخ به الحیات، احساس خود را از سفر این گروه از بزرگ ترین نویسندگان جهان که در این روزهای خفقان و محاصره به فلسطین آمده اند، چنین بیان کرد:

«این سفر را از هر نظر که بنگریم، سفری تاریخی ست، زیرا تا کنون سابقه نداشته که هیأتی در این سطح از اهمیت ادبی و معنوی به فلسطین بیایند تا همبستگی خود را از مردم فلسطین اعلام کنند، آن هم نه صرفاً به دلیل آن که در محاصره بسر می برد، بلکه به خاطر مبارزه اش در راه استقلال و آزادی. می

توان گفت که این سفر نشان دهنده تحولی کیفی در وجدان فرهنگی جهان است. این هیأت ۸ نفره که هم اکنون به فلسطین آمده اند، نه هیأتی منفرد و جدا از دیگران، بلکه نمایانگر موضع صدها شخصیت ادبی در جهان هستند که فراخوان پارلمان بین المللی را امضاء کرده اند، از جمله پل اوستر (نویسنده آمریکایی)، تونی موریسون (نویسنده آمریکایی و برنده جایزه نوبل در ادبیات)، مارگریت اتوود (نویسنده کانادایی)، آنتا دیسای (نویسنده هندی)، ندیم کورسل (نویسنده ترک)، هارولد بنتر (نمایشنامه نویس انگلیسی) و کوپولا (سینماگر آمریکایی).

محمود درویش در باره تأثیر این سفر بر قضیه (آرمان) فلسطین می گوید: «این تغییری کیفی در نگاه به قضیه فلسطین است و احتمال دارد که آن را در جایگاه شایسته اش در وجدان جهانی و چه بسا در جایگاه شایسته اش در گفتمان فرهنگی انسانی قرار دهد. به نظر می رسد که این اقدام از اقدامات دیگری که انتظار داریم نویسندگان جهان انجام دهند جدا نیست، به ویژه که قرار است اعضای هیأت، پس از بازگشت به کشورهای خود، برداشت شان را از این سفر در روزنامه ها بنویسند. چندین نفر از اعضای هیأت اظهار داشتند که خود را فلسطینی می دانند، زیرا نمی توانند در قبال آنچه اشغالگران اسرائیلی بر مردم فلسطین روا می دارند سکوت کنند. نویسنده بزرگ خوزه ساراماگو هم صریحاً اظهار داشت: «باید ناقوس ها را در جهان به صدا درآوریم و بگوییم که آنچه در فلسطین می گذرد جنایتی ست علیه بیگناهان، که باید متوقف شود و بر ما نویسندگان است که روح و خرد مردمان را بیدار کنیم».

محمود درویش در باره واکنش رسمی اسرائیل در قبال اظهارات ساراماگو گفت: «واکنش اسرائیل نشانگر بن بست است که اسرائیلی ها در برابر دیدار این هیأت بلندپایه از فلسطین، احساس می کنند و این نکته که ساراماگو اشغال سرزمین فلسطین و تبدیل آن به زندان و مناطق محاصره شده را با اقدامات نازی ها در جریان جنگ دوم جهانی مقایسه کرده است، اسرائیل را برآشفته و می داند که این از تشبیهاتی ست که گوینده آن را با دشواری و چه بسا با محاکمه رو به رو می کند».

ساراماگو خطاب به فلسطینی‌ها در رام‌الله گفت «دیوارهای رام‌الله همان دیوار اردوگاه‌های نازی ست و شما اسیران آن هستید. ما باید ناقوس‌ها را در جهان به صدا درآوریم و بگوییم که آنچه در فلسطین می‌گذرد، جنایتی ست علیه بیگناهان که باید متوقف شود و ما نباید در قبال آن سکوت کنیم. جز زمان و مکان، بین آنچه در اینجا می‌گذرد و اردوگاه آشویتس هیچ فرقی نیست» این سخنان جسورانه موجب شد که روزنامه‌های اسرائیل بر وی تاختند و او را متهم کردند که با همان ذهنیت تمام‌خواهی (توتالیتاریستی) حزب کمونیست سخن می‌گوید و امروز هم از تروریسم فلسطینی و دیکتاتوری عرفات دفاع می‌نماید. روزنامه‌های غرب اورشلیم ساراماگو و دیگر اعضای هیأت را ضد یهود و بی‌شرم نامیدند. آموس اوز، نویسنده اسرائیلی (که خود از بنیانگذاران جنبش «صلح اکنون» بوده) در سرمقاله روزنامه پرفروش یدیعوت احرنوت نوشت: اشغال امری منفی ست و بد، ولی مقایسه بین قربانی و جلاّد و تشبیه وقایع با اردوگاه‌های نازی را اسرائیلی‌ها نمی‌پذیرند. اهرون اوفیلد، نویسنده دیگر اسرائیلی، ساراماگو را مطلقاً ضد یهود و یکی دیگر به نام نعمی فرانکل، که در محله یهودی شهر الخلیل (هبرون) سکونت دارد، گفت: ساراماگو نویسنده وقیحی ست و نباید به حرف هایش توجه کرد. او نمی‌داند که یهودیان چگونه در معرض ترس و مرگ قرار دارند. ناشران اسرائیلی نیز اعلام کردند که سخنان ساراماگو تأثیری منفی بر فروش کتاب هایش که به عبری ترجمه شده خواهد داشت، و از تحریم آن سخن گفتند، آثاری که تا کنون بسیار هم فروش داشته است. ساراماگو در مصاحبه‌ای با روزنامه یدیعوت احرنوت اظهار داشته که از سخنان خود پشیمان نیست و مصرانه مخالفت خود را نسبت به اشغال سرزمین‌های فلسطینی تکرار کرده است.

اکنون که این گزارش را به فارسی منتشر می‌کنیم باید اضافه کنیم که طی چند روز گذشته، مرکز فرهنگی سکاکنینی را، که دفتر نشریه «تئوریک و ادبی «الکرمل» نیز در آن واقع است، منهدم کرده‌اند. این نشریه را محمود درویش بنیان گذاشته و خود سردبیری اش را بر عهده دارد و از وزین‌ترین مطبوعات جهان عرب به شمار می‌رود. ۵ آوریل ۲۰۰۲.

سخنی از شاعر بزرگ فلسطین، محمود درویش

فلسطین همانا اسم شب است

[در تجمع بزرگ همبستگی با مردم فلسطین که روز سه شنبه ۹ آوریل در بیروت برپا شد، شاعر بزرگ فلسطینی، محمود درویش، از شهر اشغال شده رام الله پیامی تلفنی خطاب به تجمع مزبور فرستاد که ترجمه ای از آن را می خوانید. با سپاس از شاعر گرانمایه نعمت آرم که با خواندن این متن قبل از چاپ، به روانی و زیبایی آن افزود. تراب حق شناس]

«امروز همه درک می کنیم که ما را توان آن نیست که تک و جداگانه به سوی آینده گام برداریم و نیز اینکه دفاع از ملت خودتان، ملت فلسطین، دفاع تک تک شما از سرنوشت شخصی خویش است.

اینک سرزمین فلسطین است که از فضای جغرافیایی اش سرریز شده است. خون محدوده اش را گسترش داده و دیگر مرزی ندارد و خود، روح و معنای گوهر وجود انسانی ما شده است. هم اکنون انسانیت در کلیت خویش، وجدانش را می آزماید و پیکرش را بر صلیب نوین لمس می کند.

بر هر سرزمینی، مسیحی از آن خاک بر می خیزد و به آسمان فراز می شود و تنها از آن رو بار رنج را بر دوش می کشد که رهایی جهان را مرده دهد. دست های رنج نمادهای بزرگ را می سازند، اما فلسطین خواستار چیزی ست ابتدایی تر، اگر بتواند به سوی آن راهی بیابد.

فلسطین می خواهد تا شور زندگی، چموشی تاریخ وحشی را رام کند؛ مگر نه این است که در فرجام نیک بخشیدن به ثنویت خون و شمشیر خویشتن را به حد کافی آزموده است. فلسطین دیگر، بیش از این، مجالی برای پذیرش رسالت های آسمانی ندارد. خدا همه چیز به گوش او فرو خوانده است، اما در آن بزهکاری های تجاوزگران امروز نیز یافت می شود که خشم انبیاء را بر می انگیزند و زمین را با خون شهیدان مزارآباد می کنند. نه تنها از آن رو که آزادی سیری ناپذیر

همچنان تشنه خون است، بل به خاطر آنکه ساکنان تانک و خرافات نمی خواهند از آن برون آمده به زندگی طبیعی درآیند. به این دلیل ساده که در زندگی، ما را نیز حقی ست و آن ها از تقسیم زندگی با دیگری ناتوان اند.

فلسطین در آتش می سوزد و وجدان جهانی دچار خفگی ست و ققنوس از نقش جاودانه خود هرگز دست برنخواهد داشت، اما به ما مژده می دهد که پس از ادغام واقعیت در اسطوره و بعد از آنکه اسطوره در سرزمین واقعیت با پاهای برهنه به شورش برخاست، دیگر به آغاز فاجعه بار خویش باز نخواهد گشت.

ما پیروز خواهیم شد، زیرا عاجز از هزیمت ایم؛ و پیروز خواهیم شد زیرا اشغال عاجز از پیروزی ست. اشغال، هربار در عرصه نظامی پیروز شد، بیش از پیش در بن بست وجود خود فرو رفت و نتوانست برای اثبات مشروعیت اخلاقی خود حتی يك پاسخ بیابد و هرگاه در اینجا و آنجا صلحی به دست آورد صناعت ترس از گشایش درهای قلعه به سوی افق را تکامل بخشید، لذا به جنگ بازگشت، چرا که جنگ تنها وسیله در دست او ست تا هویت خویش را از خطر گشایش به روی غیرخودی حفظ کند.

کتوغایت او ست و فرهنگ نفرت همانا اصالت است. پس، چگونه می توان صلح را بر کسی تحمیل کرد که با آن می جنگد و کشمکش را به نقطه آغازش باز می گرداند.

نسل جوان عرب که در سایه قراردادهای صلح و پس از آن به دنیا آمده، همان نسلی ست که رفتار اسرائیل وی را متقاعد کرده است که گفتمان صلح با واقعیت موجود چقدر در تناقض است. این همان نسلی ست که کوچه و خیابان کشورهای عرب را با خشم انباشته است، خشم بر نظام سیاسی عربی که از مجازات اسرائیل به خاطر جنایت های روزمره و مستمرش علیه خلق فلسطین ناتوان است.

پس، خوشا به حال اسرائیل که توانسته است مردم کوچه و خیابان عرب را علیه کسانی متحد کند که صلح او را باور می کنند، همچنین خوشا به حال او که با عزلت اخلاقی اش از وجدان مردمی جهانی که از هرسو احاطه اش کرده خود را در جایگاه سزوارش به عنوان يك دولت نژادپرست و یاغی نسبت به قوانین بین

المللی و ارزش های انسانی بازیافته است.

چنین است که محاصره شده محاصره کننده را محاصره می کند. فلسطینی، دیگر تنها نیست، یاسر عرفات این شهید زنده، دیگر تنها نیست. با بازگشت مردم کوچه و خیابان عرب به سیاست و بازگشت سیاست به فضای حیاتی خود در جامعه، شعاع وجود فلسطینی گسترش یافته است، اما بین موضع مردم و موضع رسمی دولت ها فاصله هرچه گسترده تر شده به حدی که مردم یاد می گیرند پرسش دموکراسی را با تاثیر و کارائی هرچه بیشتر مطرح کنند. اکنون می توانیم این سخن را تکرار کنیم که فلسطین برای کل ملت عرب همانا اسم شب است.

فلسطینی، دیگر تنها نیست، چرا که خورش در رگ های میلیون ها نفر می تپد و فلسطین سرریز شده از مرزهای خویش، یکی از آرمان های اخلاقی بزرگ این عصر شده است. این خود نخستین نشانه های پیروزی ست و ما را گزینشی جز مقاومت تا پیروزی نیست. متشکرم».

خطاب به رهبران کشورهایمان

که دم بر نمی آورند و به خانواده هامان

(پیام ۴۰ نفر از انترناسیونالیست های اروپایی و آمریکایی که جزء هیأت های جامعه مدنی برای حفاظت از خلق فلسطین در دفتر یاسر عرفات بسر می برند)

ما شهروندان کشورهای مختلف، بیش از دو هفته قبل، در چارچوب يك هیأت جامعه مدنی برای حفاظت از خلق فلسطین به این سرزمین آمده ایم. این هیأت ها از ژوئن ۲۰۰۱ به بعد سازمان داده شده و هدف از آن این است که پشتیبانی فعال خود را از خلق فلسطین در مبارزه ای که برای حاکمیت ملی و هویت و سرزمین اش به پیش می برد ابراز دارند؛ بی عملی نهادهای بین المللی و دولت ها را در برابر اشغالگری اسرائیل مؤکداً افشا کنند؛ این نهادها و دولت ها هرچند این اشغالگری را محکوم کرده اند ولی با بی عملی خود در جرائم اسرائیل شریک اند. علاوه بر این ها، هدف از ارسال هیأت ها این است که با بسیج مردم کشورهای مختلف، بر بین المللی کردن مسأله فلسطین تکیه کنند و خواستار ایجاد نیروی بین المللی برای حفاظت از خلق فلسطین شوند.

مبارزات فلسطینی ها ویژگی خود را دارا ست، زیرا در درجه اول به این خلق و تاریخ آن مربوط است؛ اما بُعد جهانی آن نیز روشن است: میلیون ها نفر از مردم که در کشورهای عرب و عموم مردم کشورهای جنوب که در این روزها بسیج شده اند و به خصوص همهء خلق هایی که از سلطهء يك مدل اقتصادی لیبرال رنج می برند نمی توانند آینده ای را بپذیرند که در آن اکثریت مردان و زنان، به نفع يك اقلیت، مطرود باشند. این مبارزه عمومی، به دلیل اشغال فلسطین پیکار فلسطینی ها نیز هست.

تعهد ما برای حمایت از خلق فلسطین، باعث شد که ما در لحظاتی فاجعه بار بدینجا بیاییم، لحظاتی که نماد خلق فلسطین، رهبر منتخب آن، یاسر عرفات در مرکز فرماندهی خود، در محاصره قرار دارد و رفتاری به شدت قهرآمیز نسبت به وی اعمال می شود. این محاصره در غروب روز ۲۹ مارس آغاز شد و حمله به مقر فرماندهی عرفات طی دو روز، دو کشته و چندین زخمی برجای گذاشت. در ۳۱

مارس، ما موفق شدیم از موانعی که ارتش در شهر رام الله برپا کرده بود بگذریم و در حالی که کسی در خیابان دیده نمی شد و شهر به ویرانه شباهت داشت، به داخل مقر وارد شدیم و هنوز آنجا هستیم.

محاصره که هنوز برچیده نشده با شدت تمام ادامه دارد. آب در لوله ها نیست. مواد غذایی و بهداشتی به شدت کم است، تأمین برق و مواد غذایی بسته به دلخواه ارتش اسرائیل است. بر عکس، به نظر می رسد که متمرکز شدن توجه رسانه های گروهی و دیپلماتیک روی رام الله فضای سیاسی را اندکی به روی یاسر عرفات گشوده است و جنایتکارانه بودن حمله احتمالی به مقر فرماندهی او را برای جهانیان قابل رؤیت کرده است. تهدید تخریب قریب الوقوع و مرگ حتمی محاصره شدگان فلسطینی فعلاً دور شده است.

حضور ما در اینجا همچنین این امکان استثنائی را برایمان به وجود آورده است که شاهد مقاومت و عزم فلسطینی ها باشیم و آن را گواهی دهیم و هم امروز نیز بتوانیم در بین المللی کردن بسیج سهیم باشیم و نشان دهیم که جنبش اجتماعی چگونه می تواند آگاهی سیاسی خلق ها را که در نقطه مقابل مؤسسات قانونی و رسمی ورشکسته شان قرار دارند دوام بخشد. مؤسسات رسمی مزبور با بی عملی خود در جنایاتی مانند جنایاتی که در جنین و نابلس رخ داده شریک اند و همین طور در جنایاتی که در بیت اللحم رخ می دهد. جرم قلمداد کردن حق مقاومت مردم فلسطین علیه اشغال و ستم، که به مثابه حق در کنوانسیون ژنو ثبت شده و نیز جرم قلمداد کردن فعالیت جنبش های جامعه مدنی برای حفاظت از خلق فلسطین نشان دهنده غیر قانونی بودن اقداماتی ست که ائتلاف شارون - پرز به عمل می آورد. تا امروز ۱۵ آوریل ۲۰۰۲، از ورود حدود ۲۰۰ نفر از مبارزان انترناسیونالیست به داخل فلسطین ممانعت شده است و آن ها را از فرودگاه تل اویو برگردانده اند و شمار بیشتری هم از داخل سرزمین های خودمختار فلسطینی مجبور به بازگشت به کشورهای خود گشته اند؛ در صورتی که حضور آن ها در سرزمین فلسطین تابع قوانین فلسطینی ست نه اسرائیلی. این محاصره بسیار محکم سرزمین های فلسطینی تنها هدفش این است که آخرین گواهان را از مشاهده اقدامات جنایتکارانه اسرائیل دور کند.

اقدام ما در همبستگی با مردم فلسطین در روزهای دشوار کنونی کاملاً مسأله روز است. تحرك انترناسیونالیست ها همانند تحرك جامعه ها و دولت های ما نباید با هیچ تأخیری همراه باشد. آگاهی ساده از حیثیت انسانی و احترام به حقوق اساسی بشر، ضرورت حضور هیأت های جامعه مدنی را برای حفاظت از مردم فلسطین مدلل می سازد.

ضرورت و فوریت گواهی دادن ما و همصدا شدن با فریاد مردم فلسطین همچنان پا برجاست. وانگهی انتخاب ما این است که دستجمعی در رام الله بمانیم و همچنان منتظر باشیم تا در صورت مقتضی کسان دیگری جای ما را بگیرند. هرچند ما فکر می کنیم مناسب است که برخی از ما به کشور خویش بازگردند تا در آنجا ما را نمایندگی کنند، اما همه با هم تصمیم گرفته ایم که وظیفه خود را همچنان ادامه دهیم، زیرا متأسفانه از موضوع روز بودن و ضرورت آن به هیچ رو کاسته نشده است.

بنا بر این، از داوطلبان همه کشورها، از همه افق های گوناگون اجتماعی می خواهیم که به فلسطین بیایند تا همبستگی خود را نشان دهند و برای متوقف کردن ماشین جنایتکارانه اسرائیل دست به عمل بزنند و تنزل بی سابقه جامعه اسرائیل را برای جهانیان برملا سازند.

اما در برابر شانه خالی کردن مستمر نهادهای رسمی کشورها باید همه شما در گسترده ترین شکل ممکن، هرجا هستید، بسیج شوید تا بر مقامات انتخاب شده فشار وارد آورید، خشم خود را نشان دهید، محصولات اسرائیلی را تحریم کنید و اگر بتوانید به ما بپیوندید.

مقاطعہ (مقر فرماندهی یاسر عرفات)، رام الله، ۱۵ آوریل ۲۰۰۲

در پاریس:

تشکیل جمعیتی از وکلای دادگستری برای دفاع از فلسطینها

حدود صد تن از وکلای دادگستری، قضات و استادان حقوق اخیراً جمعیتی را در فرانسه تشکیل داده اند «برای آنکه به یاری همکاران فلسطینی و اسرائیلی شان بشتابند که شجاعانه در میدان عمل با نقض حقوق بشر و جنایات جنگی مبارزه می کنند». این جمعیت بر آن است که اگر اسرائیل «معاهدات ژنو و قطعنامه های ملل متحد را رعایت نکند، حق دارد دخالت نماید». جمعیت پس از برشمردن افراط کاری ها و تجاوزات اسرائیل تاکید می کند که «معاهدات ضد اعمال شکنجه که در قانون جزای فرانسه گنجانیده شده به ما امکان می دهد تا کسانی که آن ها را نقض می کنند در برابر دادگاه های فرانسوی به محاکمه بکشانیم. همچنین تردیدی به خود راه نخواهیم داد تا کسانی را نیز که مرتکب نقض حقوق بین المللی انسانی و جرائم جنگی شده باشند و پرونده های آن ها از طریق همکاران فلسطینی و اسرائیلی در اختیارمان قرار گرفته باشد به دادگاه های اروپایی ارجاع دهیم».

در بین نخستین امضاء کنندگان که شمارشان به ۹۱ نفر می رسد، نام آنتوان کنت، مونیك شومیلیه ژاندرو، نیکول دریفوس، آلبر گلدبرگ، کامیل منصور، مونیك ویل، ویلیام بوردون به چشم می خورد.

(لوموند ۱۳ آوریل ۲۰۰۲)

برای نیل به امنیت باید حق را رعایت کرد

از ۱۹۴۸ تا کنون، فلسطینی ها یا آواره اند یا زیر یوغ اشغال به سر می برند. آن ها پذیرفته اند که در برابر صلح، از ۷۸ درصد از خاک میهن شان چشم پوشی کنند. آنان قراردادهایی را امضاء کرده اند که طبق آن ها نیروهای اسرائیلی موظف بوده اند در مواعدهای معین از مناطق اشغالی خارج شوند ولی هیچ يك از پنج دولتی که در اسرائیل بر سرکار آمده اند قراردادهای مزبور را به موقع اجرا نگذاشته اند.

فلسطینی ها هنگام عبور و مرور و برخورد به پست های بازرسی و موانعی که ارتش در راه ها برپا کرده در معرض تحقیر قرار گرفته اند و به چشم خود دیده اند که شمار کولونی ها (شهرک های مهاجر نشین یهودی) طی ده سال گذشته، بدون هیچ مجازاتی دو برابر شده است. در دوسوم مساحت نوار غزه حدود یک میلیون نفر «تلنبار» شده اند، در حالی که در یک سوم باقی مانده، ۶ هزار کولون (مهاجر یهودی) زندگی می کنند. همگان حق آنان را پایمال کرده اند: اسرائیلی ها منکر وجود آنان اند، آمریکایی ها آن ها را نادیده می گیرند و تحقیر می کنند، اروپایی ها به خاطر عقده گناه خود آن ها را قربانی می نمایند و رژیم های عربی از آن ها سوء استفاده می کنند و نسبت بدانان خیانت می ورزند.

در لحظات کنونی، آنان در محاصره اند، در زندان به سر می برند، غارت می شوند و تحت شکنجه قرار دارند و جامعه بین المللی که همه را به چشم می بیند، به اظهار تأسف بسنده می کند و هیچ حرکتی از خود نشان نمی دهد.

ما همگی فلسطینی نیستیم، فقط آن ها فلسطینی هستند و خودشان هم این را می دانند ولی سرنوشت آن ها و سرنوشت مردم اسرائیل با یکدیگر در پیوند است، چنان که سرنوشت جهان هم شاید با سرنوشت آنان در پیوند باشد.

اسرائیلی ها که شدیداً تحت تأثیر تبلیغات رسمی ای بوده اند که به آن ها وعده امنیت و صلح داده ولی هیچ کدام را برایشان تأمین نکرده است، امروز با واقعیت سرسخت رو به رو شده اند. هم اینک امر عاجل این است که اسرائیلی ها دوجانبه بودن و انصاف را پیش گیرند یعنی قبول حق مساوی برای همگان.

بدین امید که اسرائیلی ها از دولت خود بخواهند بی قید و شرط کولونی ها (شهرک های مهاجر نشین یهودی) را برچینند و به اشغال پایان دهد. بدین امید که اسرائیلی ها به ما کمک کنند تا بتوانیم آنان را یاری کنیم و با این اقدام، خشم کسانی را فرو بخوابانند که آنان را به سوگ می نشانند.

بدین امید که جامعه بین المللی به ویژه اتحادیه اروپا و فرانسه، به فوریت، نیروی بازدارنده به منطقه بفرستند تا از همه غیرنظامیان حفاظت کنند و از راه افتادن حمام خون جلوگیری نمایند.

راسل بانکس (نویسنده)، کریستیان بولتانسکی (پلاستیسین) برایتن برایتن

باخ (نویسنده)، سوفی کال (پلاستیسیسم)، هانری کارتییه برسون (عکاس) نوئل شاتله (نویسنده)، پاتریس شِرو (کارگردان)، ویسنزو کونسولو (نویسنده)، ماری- لور دودکر (عکاس)، رمون دپاردون (سینماگر)، کلود دوران (ناشر)، پاسکال روشه (مورخ)، ادوارد گلیسان (نویسنده)، ژان لاکوتور (نویسنده)، هانری لوکرك (وکیل دادگستری)، آن ماری میه ویل (سینماگر)، ادگارمخورن (جامعه شناس)، ژان لوک نانسی (فیلسوف)، کنزابورو اوئه (برنده جایزه ادبی نوبل ۱۹۹۴)، ریشار پدوژی (دکوراتور تئاتر)، اولیویه پی (کارگردان)، آندره رمون (مورخ)، آمنون - راز کراکوتسکین (مورخ) تانیا رینهارت (زبان شناس)، ایال سیلوان (سینماگر)، ووله سوینکا (برنده جایزه ادبی نوبل ۱۹۸۶)، لئا تسمل (وکیل دادگستری)، بلاندین ورت (موزیسین)، ژان پی یر ورنان (مورخ)، پی یر ویدال ناکه (مورخ)، میشل ورشوسکی (نویسنده)، سرگیو یاهنی (معترض اسرائیلی).

لوموند ۱۸ آوریل ۲۰۰۲

پارلمان اروپا خواستار اعمال مجازات علیه شارون شد

پارلمان اروپا (استراسبورگ) خواستار اعمال مجازات علیه شارون شد. اکثریت نمایندگان سکوت و بی عملی دولتها و احزاب اروپایی را پشت سر گذاشته، به دولت اسرائیل اخطار کردند و خواستار آن شدند که قرارداد همکاری بین اتحادیه اروپا و اسرائیل به حال تعلیق درآید. این قرارداد که در ۲۰ نوامبر ۱۹۹۵ بین اتحادیه اروپا و اسرائیل امضاء شده و از اول ژوئن ۲۰۰۰ به اجرا درآمده تصریح می کند که بین دو طرف «بینش مشترکی از جامعه وجود دارد که مبتنی ست بر ارزش های مشترک، احترام به حقوق بشر و مبانی اقتصاد بازار».

از نظر اقتصادی، اتحادیه اروپا نخستین شریک تجاری اسرائیل است با ۲۷/۲ در صد صادرات و ۴۳/۲ درصد واردات (در سال ۲۰۰۰). قرارداد پیش بینی می کند که ابزارهای لازم برای آزادی استقرار [شرکت ها]، لیبرالیزه کردن خدمات، گردش آزاد سرمایه ها، تقویت همکاری اقتصادی در زمینه های مختلف فراهم شود. شورای همکاری هر سال يك بار در ماه دسامبر در سطح وزیران تشکیل جلسه می دهد.

از نظر سیاسی، که بر منشور ملل متحد درباره حقوق بشر متکی ست، بر

«ضرورت تقویت ثبات سیاسی و توسعه اقتصادى در منطقه» و نیز بر اهمیت مبارزه با آنتى سمیتىسم (ضدیت با یهود) و نژادپرستى تأکید مى ورزد. دو طرف توافق دارند که «همکاری بین اسرائیل از يك طرف و کشورهای منطقه و نیز ساحل غربى و غزه از سوى دیگر تقویت گردد».

ابتکار این پیشنهاد و رأى گیرى را احزاب چپ اروپا در دست داشتند. دانیل کوهن بندیت نماینده سبزهای اروپا در این پارلمان گفت: «ما اخطار سیاسى بسیار جدى به شارون داده ایم».

[یادآورى مى کنیم که رأى پارلمان اروپا برای شورای وزیران اروپا (بروکسل) رأىى مشورتى محسوب مى شود. دول اروپایی در باره این مجازات اقتصادى وحدت نظر ندارند و در این مورد تصمیمى اتخاذ نشده و حتى رومانو پارودى رئیس شورا و برخی از دولت ها صریحاً به اسرائیل اطمینان داده اند که تحریم اقتصادى در کار نخواهد بود! با وجود این نفس این تصمیم پارلمان از اهمیت زیادى برخوردار است.]

برگرفته از لوموند ۱۲ آوریل ۲۰۰۲

گزارشی از شورای هماهنگی ایرانیان هامبورگ

تظاهرات همبستگی با فلسطین در برلین

شنبه ۱۲ آوریل، تظاهرات بزرگی برای همبستگی با مردم فلسطین و اعتراض علیه جنایات اسرائیل و حمایت آمریکا از آن، در برلین برگزار شد. چند سازمان عضو کمیته همبستگی با فلسطین در برلین، به این تظاهرات فراخوان داده بودند: انجمن فلسطینی ها، سازمان دانشجویان فلسطینی، انجمن دوستی زنان آلمانی - فلسطینی، Linksruck، انجمن اتک، پ. د. اس. (حزب کمونیست سابق آلمان شرقی)، د. ک. پ. (حزب کمونیست آلمان)، حزب سبزها، اتحادیه های کارگری، سازمان دانشجویان ترک، اتحادیه کارگران ترک و نیز کانون دمکراتیک ایرانیان برای آزادی و سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و ...

از بسیاری شهرهای آلمان برای این تظاهرات آمده بودند. از هامبورگ نیز «کمیته همبستگی با فلسطین» شامل انجمن فلسطینی ها، کانون زنان آلمانی - فلسطینی، اتحادیه دانشجویان فلسطینی، واحد کار فلسطین، کمیته کردها علیه ایزولاسیون (IKM)، کمیته همبستگی با کردستان، Linksruck، و شورای هماهنگی ایرانیان هامبورگ، با ۴ اتوبوس وسیعاً شرکت داشتند. از شورای هماهنگی ۲۵ نفر جداگانه با قطار آمده بودند.

تظاهرات در ساعت ۲ بعد از ظهر در میدان آکساندر پلاتس شروع شد و بعد از ساعتی سخنرانی و سر دادن شعارها و پخش سرود، جمعیت به سوی میدان پتسدامر پلاتس راه پیمایی کرد. در ابتدا یک آمریکایی بازمانده از هلوکاست سخنرانی کرد و در سخنانش گفت: «مردم آلمان برای جبران گذشته تاریخی خود باید از فلسطینی ها دفاع کنند، زیرا دفاع از جنبش فلسطین در حقیقت بهترین خدمت برای نجاتشان از سلطه شارون است. مردم فلسطین نیز باید همچنان به مبارزه قاطع خود ادامه دهند...». نماینده سبزها نیز سیاست دولت آلمان را در مورد فلسطین محکوم کرد و خواهان دفاع از جنبش فلسطین شد. رسانه های گروهی جمعیت را ۲۰ هزار نفر گفتند ولی شرکت کنندگان دست کم ۳۰ هزار نفر برآورد کردند. شورای هماهنگی علاوه بر پخش ۱۵۰۰ اعلامیه به زبان آلمانی، قبض های کمک مالی ۲، ۵ و ۱۰ یورویی با طرح پرچم فلسطین چاپ کرده بود که در

طول تظاهرات بیش از ۶۰۰ یورو جمع آوری شد که در اختیار «انجمن همبستگی فرانسه فلسطین» (AFPS) قرار خواهد گرفت. استقبال مردم و سمپاتی نسبت به مسأله فلسطین جالب توجه بود.

در بین پرچم‌های کوچک و بزرگ فلسطین، پلاکاردها و ترانسپارنت‌ها و پوستره‌های بسیاری به چشم می‌خورد که برخی هم شعارهای دینی بر آن‌ها نوشته شده بود. شعارهای لائیک عموماً در حمایت از مقاومت مردم فلسطین برای پایان اشغال و متوقف شدن تجاوز، به ویژه سیاست‌های جنگ طلبانه و جنایتکارانه شارون و نیز برای حق تعیین سرنوشت و برقراری دولت مستقل فلسطین بود. در بین نیروهای مذهبی با گرایش‌های گوناگون و از جمله وابستگان به سفارت ایران، پرچم ایران و عکس خمینی و موسی صدر هم وجود داشت که گاه منجر به مشاجراتی بین افراد مخالف و موافق گشت. مخلوط شدن صف‌ها به برخی از نیروهای مذهبی امکان می‌داد که شعارهای خود را شعار همگان وانمود کنند. در این مورد راه حل همان بود که بخشی از نیروهای چپ در کنار صف عمومی، صف مستقلی به نام بلوک انترناسیونال تشکیل داده، می‌کوشیدند خود را از نیروهای ارتجاعی از نوع عمال جمهوری اسلامی متمایز نمایند.

در این راه پیمایی یک گروه ۱۰۰-۱۵۰ نفره از چماقداران طرفدار اسرائیل کوشیدند به تظاهر کنندگان حمله کنند ولی با دیدن جمعیت فراوان حامیان فلسطین و هشیاری تظاهر کنندگان نتوانستند کاری از پیش برند. لازم به گفتن نیست که شورای عالی یهودیان، سفارت اسرائیل و طرفداران سیاست اشغالگرانه آن بیکار نیستند و تا کنون، طبق روال همیشگی شان، تجمع‌ها و برنامه‌های تبلیغاتی فراوان از رسانه‌های گروهی پخش کرده‌اند و کوشیده‌اند حقوق فلسطینی‌ها را نادیده گرفته اقدامات اسرائیل را توجیه کنند..

نیروهای مترقی و کسانی که با مبارزات مردم فلسطین همبستگی دارند باید با حمایت عملی و بی‌دریغ خود نشان دهند که آرمان فلسطین مسأله‌ای است انسانی و سیاسی و دعوای قومی و دینی بر سر آن به راه انداختن جز انحراف از مصالح فلسطین و خدمت به تفرقه افکنی‌های اسرائیل نیست.

فرداهای سخت اسرائیل

تصاویری که ابعاد ویرانی‌ها و تعداد قربانیان غیر نظامی فلسطینی را نشان می‌دهد، به زودی دور دنیا خواهد گشت. اینجا است که روزنامه اسرائیلی یدیعتوت آهارونوت هراس از این دارد که دولت یهود بر صندلی اتهام بنشیند.

«باید این اجساد به خاک اسرائیل منتقل شوند. اگر اسرائیل راهی برای دفن آبرومندانۀ آن‌ها نیابد، این اجساد ما را دفن خواهند کرد.»

از آغاز عملیات موسوم به «دیوار حفاظت»، اکثریت بزرگی از افکار عمومی اسرائیل که از افزایش سوء قصد های انتحاری خشمگین اند از تصمیم آریل شارون، در یورش به سرزمین های اشغالی جهت «ز بین بردن زیربنای تروریسم» استقبال می کنند.

شهروندان بسیاری در يك جنب و جوش وسیع میهن پرستانه، داوطلب پیوستن به واحدهای ذخیره ارتش یا «کمک» به هر طریق ممکن به پیروزی عملیات نظامی شدند. رسانه های رادیو - تلویزیونی و روزنامه های طرفدار، برای انعکاس این حرکت و حتی قبل از آن، در يك رقابت میهن پرستانه و بدون هیچ اعتراضی، تصمیمات ارتش را پذیرفتند که شهرهای محاصره شده به عنوان «مناطق نظامی بسته» اعلام شود و خبرنگاران و دوربین های تلویزیونی از آنان دور باشند. سه شنبه ۹ آوریل، وقوع سه حادثه جهت باد را تغییر داد: ابتدا شدت استثنائی ضربات وارده بر اردوگاه پناهندگان در جنین، سپس مرگ ۱۲ ارتشی ذخیره در يك

حمله غافلگیرانه و بالاخره اینکه همان شب و برای نخستین بار، تلویزیون تصاویر وحشتناک ویرانی های شهر نابلس را در معرض دید همگان قرار داد.

چهارشنبه صبح، و باز برای نخستین بار، سرمقاله نویسان روزنامه ییدعوت آهارونوت نگرانی هایی ابراز کردند. از جمله آلکس فیشمن، کارشناس امور نظامی روزنامه، با نگرانی از سفر وزیر خارجه آمریکا که قرار بود پنجشنبه وارد اسرائیل شود نوشت: «نگرانم» که کولین پاول با چک های سفیدی که عرفات پخش خواهد کرد و اسطوره جدید جنین گراد [توجه شود به مقایسه پر معنای اردوگاه پناهندگان جنین با استلیرگراد] ما را تنها گذاشته برگردد. در روزهای آینده، به محض اینکه تصویرهای ویرانی اردوگاه پناهندگان در سراسر جهان پخش شود، این اسطوره برای ما گران تمام خواهد شد.

واقعه کابوس مانند

سیما کادمون سرمقاله نویس سیاسی صریح تر از او ست: «وقتی ما مشغول شمارش کشته هامان هستیم، فلسطینی ها تصاویر کشته های خودشان را نشان خواهند داد و اگر تا کنون ما فقط خبر پیروزی های بزرگ را شنیده ایم، پس از این، اخبار خطاها و خبط را خواهیم شنید». وی ادامه می دهد: «احساس دردناک در برابر تعداد کشته ها، عکس های هوایی اردوگاه های پناهندگان مملو از سکنه [که بمباران شده اند] تصاویر و گزارش هایی که در روزهای آینده خواهیم دید ما رابه دوره دیگری برخوانند گرداند» کدام دوره؟ دوره لبنان سال ۱۹۸۲، «جنگ» قبلی که سرفرمانده اش ژنرال شارون بود.

لبنان خاطره کابوس کشتار اردوگاه های فلسطینی صبرا و شاتیلا به دست شبه نظامیان مسیحی و متحدین دولت یهود نیز هست که سرمقاله نویس دیگر این روزنامه، ناهوم بارنتا، را منقلب می سازد:

«هنگامی که ارتش از شهرها خارج شود فلسطینی ها خواهند کوشید که اسرائیل تاوان آن را بپردازد. نویسنده پیش بینی می کند که «اسرائیلی ها قصد دارند با جمع کردن اجساد کشته هاشان و دفن آنان در گورهای دستجمعی، آنان را قربانیان کشتار عام از نوع صبرا و شاتیلا معرفی کنند. چشم آنان به سوی جنین دوخته شده است. آن ها اطمینان دارند که در آنجا و در برابر دوربین های

تلویزیون، صدها جسد خواهند یافت و اسرائیل در تمام دنیا به عنوان جنایتکار جنگی نظیر صربیه ها در بوسنی، معرفی خواهد شد» آقای بارنئا توضیح می دهد که «مقامات نظامی هنوز به بحث در باره این مسأله نگران کننده نپرداخته اند» و نتیجه می گیرد که «باید این اجساد به خاک اسرائیل منتقل شوند. اگر اسرائیل راهی برای دفن آبرومندانۀ آن ها نیابد این اجساد ما را دفن خواهند کرد».

سیلون سیپل، لوموند ۱۲ آوریل ۲۰۰۲

کلود لوفور Claude Lefort در لوموند ۱۸ آوریل از جمله می

نویسد:

«در جنین، طرح نابودی شبکه های تروریستی به ویرانی شهر انجامیده است، و شماری هنوز نامعلوم، اما مهم، از اهالی شهر کشتار شده اند. طبق اطلاعاتی که روزنامه اسرائیلی ها ارتز انتشار داده، ارتش در پی زیاده روی هایی که رخ داده، در نظر دارد، چه از نظر بهداشتی و چه از نظر جلوگیری از استفاده تبلیغاتی فلسطینی ها [علیه اسرائیل]، اجساد را در یک گور دستجمعی در دره اردن دفن کند (یعنی در واقع برای آنکه تعداد آن ها و مشخصاتشان به عنوان غیر نظامی از دید عموم مخفی بماند). مسأله هنوز محقق و مسلم نشده است. ارتش این خبر را ابتدا تکذیب کرد، سپس پرونده ای که بنا به تصمیم دادگاه عالی اسرائیل گشوده شده بود فوراً بسته شد؛ ولی همین امر که دادگاه قصد مخفی کردن اجساد قربانیان را محتمل و مقبول تلقی کرده به حد کافی نشان دهنده انحطاط اخلاقی ست. بگذریم که با انبوه دلایل و شهادت ها فرضیه فوق هرچه محتمل تر و مقبول تر می گردد».

بدینها می توان گواهی های مستقیم زنانی را افزود که پیش چشمشان افراد خانواده شان را کشته اند و بازماندگان را تحقیر کرده اند، یا پزشکی که با دستیاران اش در بیمارستان محبوس مانده اند و اجازه نداشته اند زخمی ها را که پیش چشمشان در کوچه افتاده بوده مداوا نمایند و یا گواهی های غیرمستقیم، مثلاً آنجا که از رفتن نماینده صلیب سرخ بین المللی به جنین ممانعت نموده اند مبادا دنیا از آنچه گذشته باخبر شود.

«جالب توجه اینکه درست وقتی يك دادگاه بين المللی دارد شکل رسمی به خود می گیرد، يك ارتش به دستور دولت، قراردادهای پذیرفته شدهء جهانی را زیر پا می گذارد و کار را به جایی می کشاند که حتی از حرکت آمبولانس ها جلوگیری می کند... شارون کشور خود را فوق قانون قرار داده است.» ...

ترجمهء بهروز افشین

فراسوی کشتار

ادوارد سعید

هرکسی که با فلسطین پیوندی دارد، امروز خشمناک و حیرت زده است. جنگ استعماری همه جانبه ای که اسرائیل اخیراً با پشتیبانی جورج بوش علیه مردم فلسطین به راه انداخته و در آن بی لیاقتی و تضادهای دولت بوش همه را مبهوت کرده است، ظاهراً می رود که ماجرای سال ۱۹۸۲ را تکرار کند. اما این جنگی ست که از تجاوزهای پیشین اسرائیل در سال ۱۹۷۱ و ۱۹۸۲ وخیم تر و خطرناک تر است؛ زیرا امروز جو سیاسی و اخلاقی خشونت آمیزتر و ساده انگارانه تر شده است. رسانه های گروهی اقدام تخریبی خود را با بازتاب روایت اسرائیل از قضایا تشدید کرده اند. آن ها با متمرکز کردن انظار بر سوء قصدهای انتحاری آن را از زمینه ۳۵ سال اشغال سرزمین های فلسطینی که حقوق بین المللی را نقض کرده، به دقت جدا می نمایند. «جنگ با تروریسم» همه اخبار را در سراسر جهان تحت الشعاع قرار داده و جهان عرب بیش از هر زمان دیگر بی رمق و دچار تفرقه است.

این ها همه، اگر تعبیر مناسب باشد، تنها به هیجان و افسار گسیختگی غریزه خونخواری شارون دامن زده است. او می تواند شرارت های بیشتری مرتکب شود و همچنان از هرگونه کیفری معاف بماند. اما این، بدان معنا نیز هست که سرنوشت اقدامات وی جز شکست نیست و سرنوشت سیاسی او در معرض تهدید و رشکستگی ست، زیرا سرسختی او در تخریب و کینه توزی هرگز نه به موفقیت سیاسی می انجامد و نه حتی به پیروزی نظامی. کشمکش بین ملت ها از نوع کشمکش بین اسرائیل و فلسطین آنقدر عوامل تعیین کننده در بر دارد که با تانک و هواپیما نمی توان آن ها را نابود کرد و پافشاری شارون در دمیدن در شیپور شعارهای بی معنا علیه تروریسم، هراندازه هم که ادامه یابد و جنگ با مردم بی دفاع را به پیش برد، هرگز نتیجه سیاسی دراز مدتی را که آرزو دارد، به بار نخواهد آورد. فلسطینی ها سرزمین خود را ترک نخواهند کرد و احتمال بسیار دارد که شارون با نفرت تمام از سوی مردم خود طرد شود. تنها طرح او این است

که هرچه را که به فلسطین و فلسطینی‌ها مربوط می‌شود نابود کند. تمرکزِ جنون آمیز او روی عرفات و تروریسم هیچ نتیجه‌ای ندارد جز این که حیثیت طرف مقابل اش هرچه بیشتر تقویت گردد و روشن شود که موضع‌گیری او چقدر کور و اهریمنی‌ست.

دست آخر، شارون مسأله اسرائیلی‌ها ست نه مسأله ما. آنچه از این پس برای ما در درجه اول اهمیت قرار دارد این است که تمام توان خود را به کار بریم تا علی‌رغم رنج‌های فراوان و ویرانی‌هایی که یک جنگ جنایکارانه بر سر ما می‌آورد به مقاومت ادامه دهیم. وقتی سیاستمداری کناره‌گرفته و معتبر مانند زیگنیف برژینسکی در تلویزیون اظهار می‌دارد که رفتار اسرائیل مانند رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی‌ست، می‌توان تصور کرد که تنها او نیست که چنین نظری دارد و اینکه در آمریکا و جاهای دیگر افراد هرچه بیشتری یافت می‌شوند که از نقشی که اسرائیل به عنوان پیشقراول قدرت ایالات متحده ایفا می‌کند سرخورده و حتی متنفر اند. اسرائیلی‌ها بیش از حد خرج بالا می‌آورند و ایالات متحده را از نظر دیپلماتیک منزوی می‌کنند و به آبروی ملت آمریکا نزد همپیمانان و شهروندان اش، از نظر اخلاقی، زیان‌های جدی میرسانند. اما در رنج و اضطرابی که ما امروز بسر می‌بریم، این نیز مسأله است که بدانیم آیا ما فلسطینی‌ها خرد و درایتی داریم که بتوانیم بحران را به فرجامی برسانیم که برای پروژه آینده مان مددی باشد؟

پیشنهاد کنونی من هیچ ادعای همه‌جانبه بودن ندارد، اما ثمره سال‌ها متعهد بودن به قضیه فلسطین است، آن هم از سوی کسی که هم به دنیای عرب تعلق دارد هم به دنیای غرب. چهار نکته‌ای که روی آن‌ها تاکید می‌کنم و با هم در پیوند هستند همه امور را دربر نمی‌گیرد. سهم ناچیزی ست که من در این لحظات دشوار به بحث و تأمل مشترک ارائه می‌دهم.

۱- خوب یا بد، قضیه فلسطین صرفاً قضیه‌ای عربی - اسلامی نیست و قضیه‌های دنیای متفاوتی ست که خود با هم در کشمکش اند و در عین حال با یکدیگر در هم تنیده‌اند. اقدام کردن به سود فلسطین مستلزم آگاهی از این پیچیدگی ست و تأمل خودمان در جوانب مختلف آن. در این کار ما نیاز به رهبرانی

داریم با کیفیتی عالی از آموزش، هوشمندی و هشیاری، که از پشتوانه دموکراتیک گسترده ای برخوردار باشند. باید، مانند نلسون ماندلا که در سخن از پیکار خاص خویش هرگز از تکرار این نکته خسته نشد، آگاه باشیم که فلسطین یکی از آرمان های بزرگ اخلاقی عصر ما ست و به راستی سزاوار آن است که به همین عنوان از آن دفاع شود. مسأله این نیست که بر سر آن چانه بزنییم یا ماهرانه به مصالحه ای دست یابیم یا برای خود مقامی دست و پا کنیم. مسأله برای فلسطینی ها بر سر این است که به سطح والای قضیه (آرمان) شان ارتقاء یابند و در آن سطح بمانند.

۲- قدرت اشکال متعددی دارد و شکل نظامی تنها یکی از اشکال آن است.

اگر دولت اسرائیل از ۵۴ سال پیش تا کنون توانسته است کاری را که تا کنون بر سر فلسطینی ها آورده بیاورد، به اعتبار کارزار فکری مستمر و از نظر علمی سازماندهی شده ای ست که هدف از آن مشروع جلوه دادن اقدامات اسرائیل و سیاه نشان دادن اقدامات فلسطینی ها و پرده افکندن بر آن ها ست. اینجا مسأله بر سر برقراری و صیانت یک ارتش نیرومند نیست، بلکه بر سر شکل دادن به افکار عمومی، به ویژه در آمریکا و اروپای غربی ست. چنین توانایی محصول کاری دراز مدت است که به نحوی روشمند بر نکاتی استوار شده که راه را بر یگانگی مواضع اسرائیل و غرب هموار کند و فلسطینی ها را به مثابه آدم های خطرناک و نفرت انگیزی معرفی نماید که اسرائیل و در نتیجه «ما» [غربی ها] را تهدید می کنند. از پایان جنگ سرد، اروپا قدرت خود را در شکل بخشیدن به افکار عمومی از طریق تصویر و ایده ها عملاً از دست داده است. این آمریکا ست که (درخارج از خود فلسطین) به میدان نبرد بدل شده است. حال آنکه ما هرگز اهمیت کار سیاسی توده ای را که به نحوی روشمند سازمان یافته باشد در این کشور [آمریکا] درک نکرده ایم تا مثلاً یک آمریکایی عادی، به محض شنیدن واژه «فلسطینی» فوراً به یاد «تروریسم» نیفتد. در صورتی که تنها این نوع کار می تواند به معنای دقیق کلمه، پیروزی هایی را که ما در میدان مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل کسب می کنیم حفظ نماید.

بنا بر این، آنچه مصونیت از کیفر را برای دولت اسرائیل تأمین می کند این

واقعیت است که هیچ حرکت فکری مدافع ما توانایی آن را ندارد که شارون را از ارتکاب جنایات جنگی، به بهانه «مبارزه با تروریسم» باز دارد. وقتی ما قدرت فریبکارانه و جهانی ای را می بینیم که مثلاً CNN در برنامه های خود اعمال می کند و در آن تعبیر «سوء قصدهای انتحاری» را صد بار در ساعت تکرار می نماید و مصرف کننده و مالیات دهنده آمریکایی را از ترس، سر جای خود خشک می کند، به خود می گوئیم این يك غفلت بخشش ناپذیر است که از روشنفکرانی فلسطینی امثال حنان عشراوی، لایلا شهید، غسان الخطیب و عقیف صافیة (۱) نخواستہ اند که در واشنگتن مستقر شوند و آماده باشند که در برنامه های CNN و دیگر شبکه های تلویزیونی شرکت کنند تا تاریخ فلسطین را بازگویند و زمینه ها و عوامل لازم جهت فهم مسأله را بازسازی کنند و برای بازگویی تاریخ، حضوری معنوی و وزنه ای تأمین نمایند که بر ارزش ما بیفزاید، نه آنکه بی وقفه از ارزش ما بکاهد - این خواست فوق العاده ای نیست، ولی شرطی ست حد اقل. در آینده به رهبرانی نیاز هست که این درس ابتدائی سیاست مدرن را در عصر رسانه های سمعی و بصری انبوه درک کنند. آن ها [رهبران کنونی] این را نفهمیده اند و این بخشی از فاجعه کنونی ما ست.

۳- در دنیایی که تنها يك ابرقدرت، ایالات متحده آمریکا، بر آن مسلط است، اگر با هوشمندی عمیق، این ابرقدرت و تاریخ آن، نهادها و فرهنگ آن را به خوبی نشناسیم، به خصوص اگر بر زبان آن مسلط نباشیم، نمی توانیم به اقدامی سیاسی به نحوی مسؤولانه دست زنیم. وقتی می شنویم که سخنگویان ما و دیگر ملت های عرب احمقانه ترین حرف ها را در باره آمریکا بر زبان می آورند و خود را در معرض ضربات آن قرار می دهند، زمانی با لعن و نفرین آن و زمانی دیگر با استمداد از او و همه با يك انگلیسی الکن و معیوب، در برابر این همه بی لیاقتی جا دارد که گریه سر دهیم. آمریکا یکدست نیست. ما در آنجا دوستان یا دوستانی بالقوه داریم. ما می توانیم جامعه عربی [مقیم آمریکا] و جامعه مهاجران نزدیک به خودمان را آگاهی دهیم و بسیج کنیم به طوری که بتوانند ما را در سیاست آزادی طلبی مان یاری دهند، همان کاری که آفریقای جنوبی ها در جهان، یا الجزایری ها در جریان جنگ آزادی بخش خود در فرانسه کردند. ما باید نقشه و نظم و سازمان

داشته باشیم. ما از سیاست عدم خشونت هیچ نفهمیده ایم و از آن هم بدتر، از قدرتی که مستقیماً مخاطب قرار دادن اسرائیل ممکن است به ما بدهد هیچ درک نکرده ایم؛ همان قدرتی که کنگره ملی آفریقا (ANC) با خطاب مستقیم به کولون های (استعمارگران) سفید پوست آفریقای جنوبی و با زبان پذیرش و احترام متقابل از آن استفاده کرد. در برابر سیاست طرد و جنگ اسرائیلی ها، ما باید با سیاست همزیستی پاسخ دهیم. این به هیچ رو عقب نشینی نیست، بلکه تلاشی است برای ایجاد همبستگی و منزوی کردن طرفداران پاکسازی، نژادپرستی و تمامیت خواهان درون ملت شان.

۴- مهم ترین درسی که ما باید برای خودمان از فاجعه بگیریم چیزی است که کار اسرائیل در سرزمین های اشغالی به ما می آموزد: این واقعیت که ما ملتی به معنی کامل کلمه هستیم و به رغم حمله های وحشیانه دولت اسرائیل علیه تشکیلات خودمختار فلسطین، این جامعه نمرده است. ما یک ملت ایم زیرا جامعه ما به زندگی ادامه می دهد، همان گونه که از ۵۴ سال پیش به رغم همه خشونت ها، همه فراز و نشیب های قهرآمیز تاریخ، همه فجایع هولناک، و همه مصائبی که مردم ما در معرض آن قرار داشته اند به زندگی ادامه داده است. این است بزرگ ترین پیروزی ما بر شارون: او و امثال او یارای آن ندارند که این را ببینند و به این دلیل است که به رغم زور و قدرتی که دارند و غیر انسانی بودنشان، مقصر و محکوم اند. ما بر خلاف اسرائیلی های نظیر شارون، خاطره فجایعی را که در گذشته تحمل کرده ایم پشت سر گذارده ایم. او به عنوان کسی که اعراب را کشتار کرده، به عنوان یک سیاستمدار ورشکسته که نتوانسته برای مردمش چیزی جز افزایش نا امنی و خطر به بار آورد، خواهد مرد. حال آنکه افتخار یک رهبر سیاسی این است که به جانشینان خود دستاوردهایی را منتقل کند که نسل های آینده بتوانند بر اساس آن به سازندگی بپردازند. شارون، موفاز [رئیس ستاد ارتش] و دیگر دست اندرکاران این کارزار سادیستی رعب و قتل عام، چیزی جز قبرستان از خود برجا نخواهند گذاشت. نیستی جز نیستی به بار نمی آورد.

من معتقدم که ما به عنوان فلسطینی می توانیم بگوییم که از خود امید و جامعه ای را بر جا می گذاریم که توانسته اند به رغم همه تلاش هایی که برای

قتل شان به کار رفته باقی بمانند. این کم چیزی نیست. اکنون نوبت نسل فرزندان ما - فرزندان من و شما - ست که با روحیه ای انتقادی، با خرد، با امید و با استقامت به فراسوی این مرحله رهسپار شوند.

(منتشر شده در هفته نامه انگلیسی الاهرام - مصر، ترجمه اتی ین بالیبار از انگلیسی به فرانسوی، لوموند ۱۲ آوریل ۲۰۰۲، ترجمه فارسی از تراب حق شناس).

یادداشت مترجم فارسی:

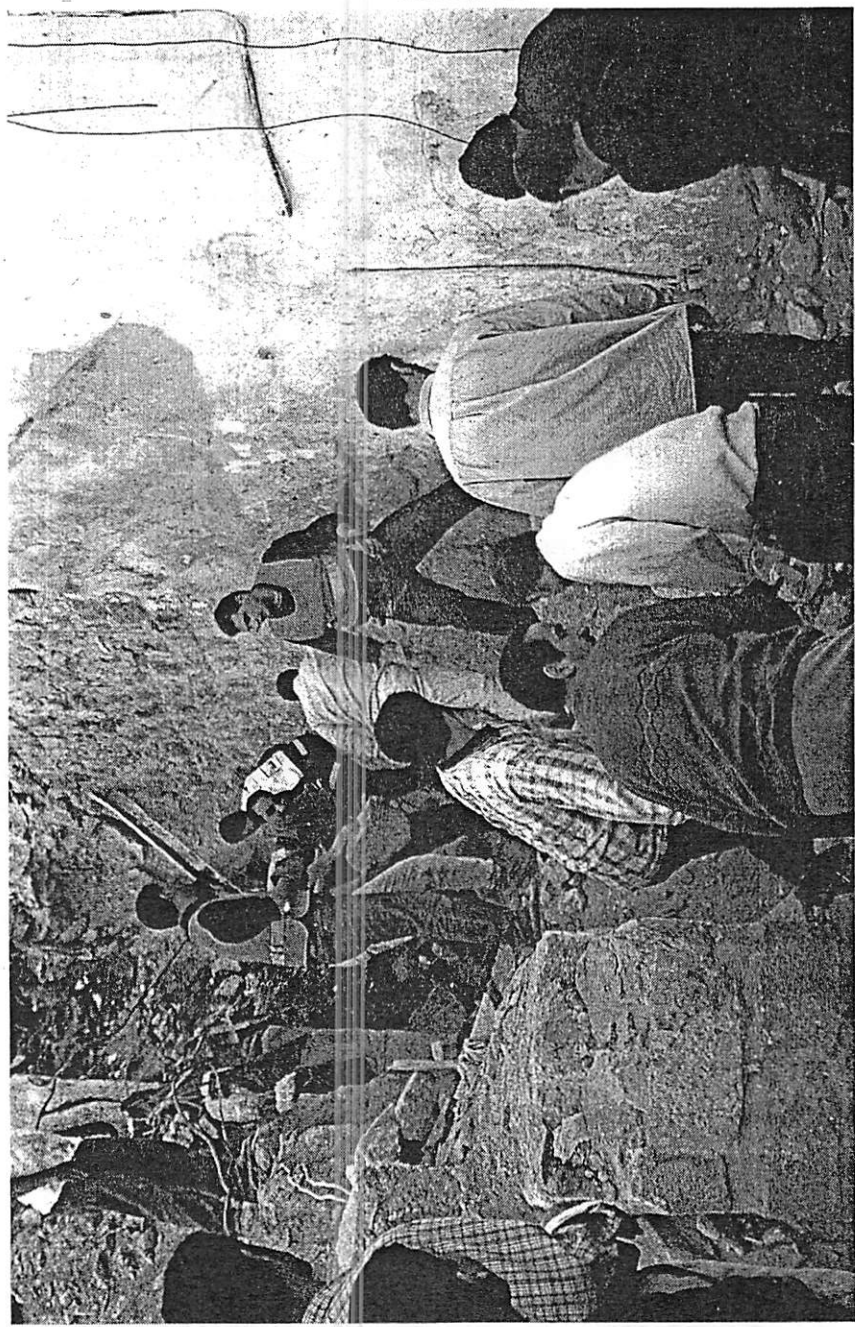
(۱) خانم حنان عشراوی استاد دانشگاه، سخنگوی هیأت فلسطینی در مذاکرات پس از کنفرانس مادرید و سخنگوی کنونی «جامعه دول عربی»؛ خانم لیلا شهید، نماینده (سفیر) تشکیلات خودمختار فلسطین در پاریس؛ دکتر غسان الخطیب محقق فلسطینی که در بیت المقدس زندگی می کند؛ عقیف صافی، نماینده (سفیر) تشکیلات خودمختار فلسطین در لندن.



حشد شهپناه می واحد من منازل مخیم جنین، (رویتور)

کشته ها در یکی از خانه های اردوگاه پناهندگان جنین (ساحل غربی)





پیتشلون چٹتا من بین انقاض منزل وسط نابلس
چست و چوی اجساد درویرانهء خانه ای در وسط شهر نابلس (ساحل غربی)

در زیر با تشکر از علاقه مندانی که سابقاً در جمع آوری کمک مالی برای فلسطین (معادل حدود ۲۲ هزار فرانک)، به ما یاری دادند، رسید «انجمن همبستگی فرانسه-فلسطین» را مجدداً چاپ می کنیم و انتظار داریم اکنون نیز که اوضاع زندگی فلسطینی ها در نتیجه تجاوزات مستمر اسرائیل و آمریکا وخیم تر شده هر قدر می توانند کمک مالی فراهم نمایند. کمکی که هرچند سمبلیک است، اما هم از نظر مادی اهمیت دارد و هم از نظر تعهد خود ما به امری انسانی، سیاسی.

ASSOCIATION MEDICALE FRANCO-PALESTINIENNE

21 ter rue Voltaire, 75011 PARIS
Tel : 01 43 72 15 79. Fax : 01 43 72 07 25. CCP La Source 34 521 83 N
E-mail : amfpafp@club-internet.fr

Président d'honneur : Pr. José ABULKER. Président : Jean-Marie GAUBERT

Paris, le 10/04/2001

L'Association Médicale Franco-Palestinienne certifie avoir reçu la somme de 10.000 francs ainsi que 210 Marks suite à l'appel SOS Palestine.

Nous tenons à remercier chaleureusement les réfugiés politiques et immigrés iraniens solidaires avec la Palestine pour leur don en faveur du peuple palestinien.

Jean-Marie GAUBERT



ASSOCIATION FRANCE-PALESTINE SOLIDARITÉ (AFPS)

Anciennement Association France-Palestine et Association Médicale Franco-Palestinienne

21 ter Rue Voltaire 75011 Paris
tél : 01 43 72 15 79 Fax : 01 43 72 07 25
E-mail : amfpafp@club-internet.fr

Paris, le 27 juillet 2001.

L'Association France-Palestine Solidarité (AFPS) certifie avoir reçu les sommes suivantes au titre de l'appel SOS Palestine :

- 3 600 Couronnes suédoises,
- 930 Marks,
- 420 dollars,
- 3 700 Francs.

Nous tenons à remercier sincèrement les réfugiés politiques et immigrés iraniens solidaires de la cause du peuple palestinien.

Gilles MASSON



ASSOCIATION FRANCE-PALESTINE SOLIDARITÉ (AFPS)

Anciennement Association France-Palestine et Association Médicale Franco-Palestinienne

21 ter Rue Voltaire 75011 Paris
tél : 01 43 72 15 79 Fax : 01 43 72 07 25
E-mail : amfpafp@club-internet.fr

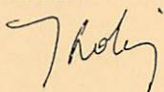
Paris, le 23 mai 2002.

L'Association France-Palestine Solidarité (AFPS) certifie avoir reçu les sommes suivantes au titre de l'appel SOS Palestine :

- 2 500 €
- 500 couronnes suédoises

Nous tenons à remercier sincèrement les réfugiés politiques et immigrés iraniens solidaires de la cause du peuple palestinien.

Pour le Président,
Jean Dollé



A.F.P.S.
21 ter, Rue Voltaire
75011 PARIS

پاریس، ۲۳ مه ۲۰۰۲

اتجمن همبستگی فرانسه - فلسطین (AFSP) وصول مبلغ زیر را که در پی فراخوان کمک به فلسطین

جمع آوری شده گواهی می دهد:

- ۲۵۰۰ یورو

- ۵۰۰ کرون سوئد

ما وظیفه خود می دانیم از پناهندگان سیاسی و مهاجران ایرانی که با آرمان مردم فلسطین همبستگی

دارند صمیمانه سپاسگزاری کنیم.

از طرف رئیس،

ژان دوله

این نوشته ها را همراه با مقالاتی دیگر به ویژه در تحقیقات مارکسیستی، مسائلی در باره ایران، فلسطین، زاپاتیست ها، جنبش های توده ای به خصوص در آمریکای لاتین می توانید روی سایت اینترنتی اندیشه و پیکار بیابید، یا برای خرید سفارش دهید. همچنین با جنبش های فکری و عملی چپ و مبارز ارتباط بگیرید. ما از انتقاد، نظر و مشارکت شما استقبال می کنیم.

انتشارات اندیشه و پیکار

Andeesheh va Peykar Publications
Avril 2002

Postfach600132
60331 Frankfurt - Germany
www.peykarandeesh.org
post@peykarandeesh.org